

همیشه  
حاجی بمانیم



بازگشت ۵۷ هزار حاجی  
به میهن اسلامی

خبرنامه

Mon 26 October 2014 ■ zaer93@hajj.ir ■ Zaer Issue ■

## نشانه قبولی حج چیست؟



دو شرط اساسی  
در دعا / ۳

استغفار در سحرگاه  
پذیرفته تر است / ۴

نکات مهم بهداشتی  
و امنیتی برای زائران / ۷



سفر پایانه



همراهتان بودیم

اشکها، یادها، رازها، شب زنده داری ها، زمزمه ها و... در سرزمین وحی رو به پایان می رود. چشم ها نورانی، قلب ها سرشار از یاد خدا، جان ها مملو از عشق رسول و اهل بیت (ع) و... گشته است. در نگاه به بارگاه پیامبر رحمت گفتیم و خواستیم و در نظر به بیت الله الحرام خواستیم و طلب کردیم. احرام بستیم دل در گرو دوست دادیم، به گرد حق چرخیدیم و پشت مقام امامت نماز خواندیم، در عرفات، دنبال معرفت بودیم و در مشعر، شعور، بین صفا و مروه، مروت جستیم و در منی راز گفتیم. سنگ بر شیطان و نفس اماره زدیم و...

حاجی شدیم و توشه برداشتیم و باشد که حاجی بمانیم. ما نیز در همه طی مسیر و انجام مناسک این سفر همراه شما بودیم. به دلدادگی تان دل دادیم و برای قبول اعمالتان نزد حضرت دوست دعا کردیم. با شما بودیم و پا به پای شما آمدیم. خواستیم کمکی باشیم و به رسم و سنت اختر چهارم آسمان ولایت خدمتگزاری کنیم. زیرا که خدمت به شما دلدادگان، دل ما را نیز خدای می کرد. به رسم آنکه هر سلامی را و ال سلامی هست، اینک و در آستانه بازگشت همه دلدادگان حضرت دوست، به میهن اسلامی و عزیزمان شما را به خدای بزرگ می سپاریم و التماس دعا داریم. ما را نیز از دعای خویش بهره مند سازید و خدمت گزاران خود را فراموش نکنید. یا حق

رهنمود



حفظ اتحاد

امروز دنیای اسلام با تهاجم سیاسی و فرهنگی و تبلیغاتی



همه جانبه دشمنان اسلام مواجه است. این نکته را باید در همه جهان اسلام، همه ی آحاد مردم، بخصوص نخبگان، بخصوص روشنفکران، علمای دین، افراد برجسته ی سیاسی غفلت نکنند. امروز تهاجم علیه اسلام و مقدسات مسلمانان همه جانبه است و این نه به خاطر این است که دشمن قوی شده است، به خاطر این است که دشمن در مقابل حرکت عظیم اسلامی احساس ضعف میکند؛ لذا به انواع جنگهای روانی، تهاجمات گوناگون، ترساندن ملتها و کشورهای مسلمان از یکدیگر و تبلیغات علیه یکدیگر متوسل میشود. راه این است که دنیای اسلام وحدت خود را حفظ کند. من بار دیگر برای صمدین بار، هزارمین بار، از زبان ملت ایران خطاب به همه ی برادران مسلمان در اکناف عالم عرض میکنم: اتحاد خودتان را حفظ کنید، مبدا بازپچی دست دشمنان مشترک بشوید که به عنوان قومیت عرب و عجم، به عنوان مذهب شیعه و سنی، به عنوان گوناگون دیگر، میخواهند بین شما اختلاف بیندازند. آنها نه دوست شیعه هستند، نه دوست سنی؛ آنها دشمن اسلامند. برای اینکه اسلام را تضعیف نکنند، یکی از راههایشان همین است که اینها را به جان هم بیندازند؛ کشورها را از همدیگر بترسانند.

خطبه های نماز عید سعید فطر ۱۳۸۷/۷/۱۰

تحریم ها علیه ایران  
به سرعت بر چیده می شود

رییس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی گفت: روند تحولات بین المللی و منطقه ای و رکود اقتصاد جهانی نشان می دهد که تحریم ها علیه ایران به سرعت بر چیده خواهد شد. کاهش وابستگی بودجه به نفت علی مروی در همایش بین المللی قیصر، اظهار داشت: ظرفیت های گسترده ای در این صنعت وجود دارد که باید شکوفا شده و سهم بیشتری از توانایی های این بخش به بازار جهانی عرضه شود.

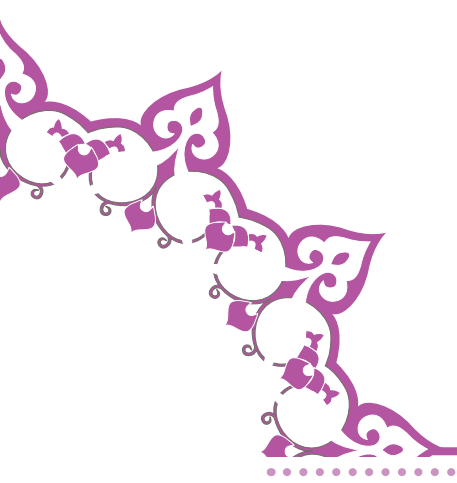


صادرات مس ایران تا چند سال آینده: دو میلیارد دلار

مدیر عامل شرکت ملی صنایع مس ایران گفت: با برنامه ریزی های انجام شده تا چند سال آینده صادرات صنعت مس ایران به دو میلیارد دلار خواهد رسید. به گزارش واحد مرکزی خبر، احمد مرادعلیزاده در نشست خبری افزود: بر اساس برآوردهای انجام شده اگر روند صنعتی به همین منوال پیش رود تا ۱۰ سال آینده مصرف مس در کشور به ۱۸۰ تا ۲۰۰ هزار تن می رسد.

وی اضافه کرد: تا سال ۱۳۹۸ می توانیم میزان تولید را به ۴۰۰ هزار تن افزایش دهیم و مازادی ۲۰۰ هزار تنی را صادر کنیم.





## بازگشت ۵۷ هزار حاجی به میهن اسلامی

هر کدام یک کاروان را دارا بودند. همچنین امروز نیز، ۱۸ کاروان که ۴ کاروان آن از استان کرمانشاه و استان‌های کردستان و یزد نیز هر کدام سه کاروان و استان‌های بوشهر و سیستان و بلوچستان نیز هر کدام دو کاروان و تهران و البرز و لرستان نیز هر کدام یک کاروان به سوی ایران پرواز خواهد کرد.

منوره از حضور زائران کشورمان خالی خواهد شد. این گزارش حاکی است، حجاج ایرانی روز گذشته در قالب ۲۳ کاروان مدینه را ترک کردند که کرمانی‌ها با ۹ کاروان در صدر قرار داشتند. این گزارش می‌افزاید؛ پس از آن استان‌های بوشهر، گیلان و کردستان هر کدام ۳ کاروان، استان کرمانشاه هم دو و استان‌های تهران، قزوین و قم نیز

روز گذشته سوم آبان ماه دو هزار و ۶۲۷ حاجی ایرانی از مدینه منوره به سوی ایران اسلامی بازگشتند که طبق آمار اعلام شده تاکنون ۵۷ هزار نفر از حجاج به ایران برگشته و حدود ۷ هزار نفر دیگر در مدینه منوره هستند. براساس این گزارش، تا پایان روز ششم آبان ماه تمامی حجاج ایرانی به وطن خواهند گشت و مدینه

## گوشه‌هایی از زندگی و شخصیت پیامبر (ص) در بیانات رهبر معظم انقلاب

یوم المر حمه؛ امروز، روز گذشت و بخشش است؛ لذا انتقام نگرفت. این، جوانمردی آن بزرگوار بود.

او درست کردار بود. در دوران جاهلیت - همان طور که گفتیم - تجارت می‌کرد؛ به شام و یمن می‌رفت؛ در کاروانهای تجاری سهم می‌شد و شریک می‌شد. یکی از شرکای دوران جاهلیت او بعدها می‌گفت که او بهترین شریک بود؛ نه لجاجت می‌کرد، نه جدال می‌کرد، نه بار خود را بر دوش شریک می‌گذاشت، نه با مشتری بد رفتاری می‌کرد، نه به او زیاد می‌فروخت، نه به او دروغ می‌گفت؛ در سنکتر دار بود. همین در سنکتر داری حضرت بود که جناب خدیجه را شکیفته او کرد. خود خدیجه هم بانوی اول مکه و از لحاظ حسب و نسب و ثروت، شخصیت برجسته‌ای بود.

پیامبر از دوران کودکی، موجود نظیفی بود. برخلاف بچه‌های مکه و برخلاف بچه‌های قبایل عرب، نظیف و تمیز و مرتب بود. در دوران نوجوانی، سرشانه کرده؛ بعد در دوران جوانی، محاسن و سرشانه کرده؛ بعد از اسلام، در دورانی که از جوانی هم گذشته بود و مرد مسنی بود - پنجاه، شصت سال سن او بود - کاملاً مقتید به نظافت بود. گیسوان عزیزش که تابناگوشش می‌رسید، تمیز؛ محاسن زبایش تمیز و معطر. در روایتی دیدم که در خانه خود خم آبی داشت که چهره مبارکش را در آن می‌دید - آن زمان چون آینه چندان مرسوم و رایج نبود - «کان یسوی عمامته و لحيته اذا اراد ان یخرج الی اصحابه»؛ (۳) وقتی می‌خواست نزد مسلمانان و رفقا و دوستانش برود، حتماً عمامه و محاسن را مرتب و تمیز می‌کرد، بعد بیرون می‌آمد. همیشه با عطر، خود را معطر و خوشبو می‌کرد. در سفرها با وجود زندگی زاهدانه - که خواهم گفت زندگی پیامبر به شدت زاهدانه بود - با خودش شانه و عطر می‌برد. سرمه‌دان برمی‌داشت، برای این که چشم‌هایش را سرمه بکشد؛ چون آن روز معمول بود مردها چشم‌هایشان را سرمه می‌کشیدند. هر روز چند مرتبه مسواک می‌کرد. دیگران را هم به همین نظافت، به همین مسواک، به همین ظاهر مرتب دستور می‌داد. اشتیاق بعضی این است که خیال می‌کنند ظاهر مرتب باید با اشرافیگری و با اسراف توأم باشد؛ نه. با لباس وصله زده و کهنه هم می‌شود منظم و تمیز بود. لباس پیامبر وصله زده و کهنه بود؛ اما لباس و سر و رویش تمیز بود. اینها در معاشرت، در رفتارها، در وضع خار می‌بود و در بهداشت بسیار مؤثر است. این چیزهای به ظاهر کوچک، در باطن بسیار مؤثر است.



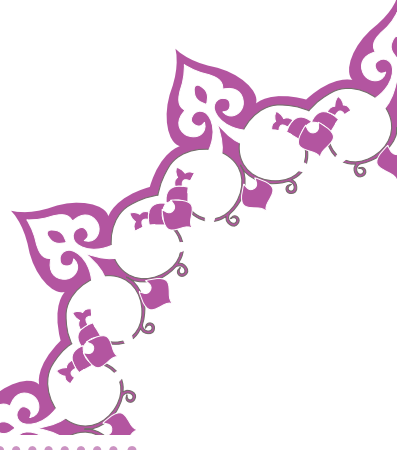
وقتی به کمک او نمی‌شافت، دست نرمی داشت.

در جاهلیت، پیمانانی به نام «حلف الفضول» - پیمان زیادی؛ غیر از پیمانهایی که مردم مکه بین خودشان داشتند - وجود داشت که پیامبر در آن شریک بود. یک نفر غریب وارد مکه شد و جنسش را فروخت. کسی که جنس را خریده بود، «عاص بن وائل» نام داشت که مرد گردن کلفت قلدری از اشراف مکه بود. جنس را که خرید، پولش را نداد. آن مرد غریب به هر کس مراجعه کرد، نتوانست کمکی دریافت کند. لذا بالای کوه ابوقبیس رفت و فریاد زد: ای اولاد فهر! به من ظلم شده است. پیامبر و عمویش زبیر بن عبدالمطلب آن فریاد را شنیدند؛ لذا دور هم جمع شدند و تصمیم گرفتند که از حق او دفاع کنند. بلند شدند پیش «عاص بن وائل» رفتند و گفتند پولش را بده؛ او هم ترسید و مجبور شد پولش را بدهد. این پیمان بین اینها برقرار ماند و تصمیم گرفتند هر بیگانه‌ای وارد مکه شد و مکی‌ها به او ظلم کردند - که غالباً هم بیگانه‌ها و غیرمکی‌ها ظلم می‌کردند - اینها از او دفاع کنند. بعد از اسلام، سالها گذشته بود، پیامبر می‌فرمود که من هنوز هم خود را به آن پیمان متعهد می‌دانم. بارها با دشمنان مغلوب خود رفتاری کرد که برای آنها قابل فهم نبود. در سال هشتم هجری، وقتی که پیامبر مکه را با آن عظمت و شکوه فتح کرد، گفت: «الیوم

امین بودن و امانتداری او چنان بود که در دوران جاهلیت او را به «امین» نامگذاری کرده بودند و مردم هر امانتی را که برایش بسیار اهمیت قائل بودند، دست او می‌سپردند و خاطر جمع بودند که این امانت به آنها سالم بر خواهد گشت. حتی بعد از آن که دعوت اسلام شروع شد و آتش دشمنی و نفاق با قریش بالا گرفت، در همان احوال هم باز همان دشمنها اگر می‌خواستند چیزی را در جایی امانت بگذارند، می‌آمدند و به پیامبر می‌دادند؛ لذا شما شنیده‌اید که وقتی پیامبر اکرم به مدینه هجرت کرد، امیر المؤمنین را در مکه گذاشت تا امانتهای مردم را به آنها برگرداند. معلوم می‌شود که در همان اوقات هم مبالغی امانت پیش آن بزرگوار بوده است؛ نه امانت مسلمانان، بلکه امانت کفار و همان کسانی که با او دشمنی می‌کردند!

بردباری او به این اندازه بود که چیزهایی که دیگران از شنیدنش بی‌تاب می‌شدند، در آن بزرگوار بی‌تابی به وجود نمی‌آورد. گاهی دشمنان آن بزرگوار در مکه رفتارهایی با او می‌کردند که وقتی جناب ابی طالب در یک مورد شنید، به قدری خشمگین شد که شمشیرش را کشید و با خدمتکار خود به آن جارفت و همان جسارتی را که آنها با پیامبر کرده بودند، با یکایکشان انجام داد و گفت هر کدام اعتراض کنید، گردنتان را می‌زنم؛ اما پیامبر همین منظره را با بردباری تحمل کرده بود. در یک مورد دیگر با ابی جهل گفتگو شد و ابی جهل اهانت سختی به پیامبر کرد؛ اما آن حضرت سکوت پیشه نمود و بردباری نشان داد. یک نفر رفت به حمزه خیر داد که ابی جهل این طور با برادرزاده تو رفتار کرد؛ حمزه بی‌تاب شد و رفت با کمان بر سر ابی جهل زد و سر او را خونین کرد. بعد هم آمد و تحت تأثیر این حادثه، اسلام آورد. بعد از اسلام، گاهی مسلمانان سر قضیه‌ای، از روی غفلت و یا جهالت، جمله اهانت آمیزی به پیامبر می‌گفتند؛ حتی یک وقت یک نفر از همسران پیامبر - جناب زینب بنت جحش که یکی از امهات مؤمنین است - به پیامبر عرض کرد که تو پیامبری، اما عدالت نمی‌کنی؛ پیامبر لبخندی زد و سکوت کرد. او توقع زنانه‌ای داشت که پیامبر آن را برآورده نکرده بود؛ که بعداً ممکن است به آن اشاره کنم. گاهی بعضی افراد به مسجد می‌آمدند، پاهای خودشان را دراز می‌کردند و به پیامبر می‌گفتند ناخنهای ما را بگیر! - چون ناخن گرفتن وارد شده بود - پیامبر هم با بردباری تمام، این جسارت و بی‌ادبی را تحمل می‌کرد.

جوانمردی او طوری بود که دشمنان شخصی خود را مورد عفو و اغماض قرار می‌داد. اگر در جایی ستم‌دیده‌ای بود، تا



## این کار خیانت به خداوند است

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله:  
مَنْ اسْتَعْمَلَ غُلَامًا فِي عَصَابَةٍ فِيهَا مَنْ هُوَ أَرْضَى لِي مِنْهُ  
فَقَدْ خَانَ اللَّهَ.

هر که از بین گروهی، کسی را به کار گمارد در حالیکه در بین آنها خدا پسندتر از او وجود داشته باشد به خدا خیانت کرده است

بحار الانوار (ط-بیروت) ج ۲۳، ص ۷۵، ح ۲۴-  
مناقب آل ابی طالب ج ۱، ص ۲۵۸

خبرنامه

دوره جدید- شماره ۳۶  
۴ آبان ۱۳۹۳  
۲ محرم الحرام ۱۴۳۵  
26 October 2014

۹۳



## دو شرط اساسی در دعا

یعقوب استغفار را تاخیر انداخت؟ فرمود: تاخیر انداخت تا هنگام سحر فرا برسد، چون دعای سحر مستجاب است.

(ترجمه المیزان، ج ۱۱، ص: ۳۴۶)

علاوه بر موارد ذکر شده، این آیه کوتاه قرآنی سیزده پیام را در دل خود جای داده است که در تفسیر نور اینگونه بیان شده است:

- ۱) ظلم، مایه ذلت است. روزی که برادران، یوسف را به چاه انداختند، روز خنده آنان و ذلت یوسف بود و امروز به عکس شد.
- ۲) برای آمرزش گناهان، توسل به اولیای خداوند جایز است. «یا اَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا»
- ۳) دعای پدر تأثیر ویژه‌ای دارد. «یا اَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا»
- ۴) برای توبه هیچ گاه دیر نیست. «اسْتَغْفِرْ لَنَا»
- ۵) اعتراف به گناه و خطا زمینه آمرزش است. «إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ»
- ۶) برای دعا، ساعات خاصی اولویت دارد. «قَالَ سَوْفَ اسْتَغْفِرُ لَكُمْ»

- ۷) دعای پدر در حق فرزندان، اثر خاصی دارد. «سَوْفَ اسْتَغْفِرُ لَكُمْ»
- ۸) پیدر نباید کینه توز باشد و لغزش فرزندان را در دل نگه دارد. «اسْتَغْفِرُ لَكُمْ»

- ۹) به هنگام اقرار خلافکار، او را ملامت نکنید. هنگامی که گفتند: «إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ» ما خطا کار بودیم. پدر گفت: «سَوْفَ اسْتَغْفِرُ لَكُمْ»
- ۱۰) گناهکار را به مغفرت الهی امیدوار کنیم. «قَالَ سَوْفَ اسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي»

- ۱۱) در استیجاب دعا و توسل به اولیای الهی صبور باشیم. «سَوْفَ اسْتَغْفِرُ لَكُمْ»

- ۱۲) حضرت یعقوب از حق خویش گذشت و برای حق الهی وعده دعا به فرزندان داد. «اسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي»

- ۱۳) لطف خداوند، شامل بزرگ‌ترین گناه و گناهکاران نیز می‌شود. «هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» با اینکه دو نفر از پیامبران الهی مورد آزار و اذیت چندین ساله قرار گرفته‌اند، باز امید بخشایش از او می‌رود. (تفسیر نور، ج ۶، ص: ۱۵۹)

پی نوشت‌ها:

۱) تفسیر نور، ج ۶

۲) ترجمه المیزان، ج ۱۱

۳) تفسیر روشن، ج ۱۲

این روایت آنچه مورد توجه است ساعات و زمان مناسب برای دعا است.

در فقیه به سند خود از محمد بن مسلم از امام صادق (علیه‌السلام) روایت کرده که در ذیل گفتار یعقوب به فرزندان، که فرمود: سَوْفَ اسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي فرموده: استغفار را تاخیر انداخت تا شب جمعه فرارسد.

در این معنی روایات دیگری نیز هست. و در الدر المنثور است که ابن جریر و ابی‌الشیخ، از ابن عباس از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه) روایت کرده‌اند که فرمود: اینکه برادرم یعقوب به فرزندان خود گفت: "بزودی برایتان از پروردگارم طلب مغفرت می‌کنم" منظورش این بود که شب جمعه فرارسد.

و در کافی به سند خود از فضل بن ابی‌قره از امام صادق (علیه‌السلام) روایت کرده که فرمود: رسول خدا (صلی‌الله‌علیه و آله) فرموده: بهترین وقتی که می‌توانید در آن وقت دعا کنید و از خدا حاجت بطلبید وقت سحر است، آنگاه این آیه را تلاوت فرمود که: یعقوب به فرزندان خود گفت: سَوْفَ اسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي و منظورش این بود که در وقت سحر طلب مغفرت کند.

در این معنی روایات دیگری نیز هست از جمله الدر المنثور از ابی‌الشیخ و ابن مردویه از ابن عباس از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه و آله) روایت کرده که شخصی از آن جناب پرسید: چرا

چرا یعقوب استغفار را تاخیر انداخت؟ فرمود: تاخیر انداخت تا هنگام سحر فرا برسد، چون دعای سحر مستجاب است.

به گزارش گروه وبگردی باشگاه خبرنگاران داستان حضرت یوسف علیه‌السلام در قرآن کریم از جمله داستان‌هایی است که نکات ریز و ظریف بسیاری در آن نهفته است از جمله آیه ۹۸ این سوره و این موضوع که چرا حضرت یعقوب علیه‌السلام در خواست پسرانش برای طلب مغفرت را به تأخیر انداختند؟ آیه ۹۸ سوره یوسف قال سَوْفَ اسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. یعقوب (علیه‌السلام) در این جمله فرمود: بزودی برایتان استغفار می‌کنم.

فرزندان یعقوب افتادند، دست به دامن پدر زدند و گفتند پدرجان از خدا بخواه که گناهان و خطاهای ما را ببخشد چرا که ما گناهکار و خطاکار بودیم. اما پدر در خواست آنان را به تأخیر انداختند، با رجوع به تفاسیر این آیه، به نکات قابل تأملی رسیدیم که توجه بدان خالی از لطف نیست.

### علت به تأخیر انداختن دعا

در تفسیر نمونه علامه طباطبایی برای این امر دو دلیل را ذکر کرده و می‌فرماید: علت اینکه استغفار برای فرزندان را تاخیر انداخت شاید این باشد که تا نعمت خدا با دیدار یوسف تکمیل گشته دلش به تمام معنا خوشحال گردد، و قهراً تمامی آثار شوم فراق از دلش زایل شود، آنگاه استغفار کند، و در بعضی اخبار هم آمده که تاخیر انداخت تا وقتی که در آن وقت دعا مستجاب می‌شود. (تفسیر المیزان/ج ۱۱/ص ۳۲۶)

### شرط کلیدی در دعا

این آیه دو شرط اساسی دعا را در بر دارد: اولاً، در موضوع دعا زمینه موجود باشد، تا در خواست و طلب به مورد و به صلاح صورت بگیرد.

و ثانیاً، حال قلبی و معنوی دعا کننده مساعد و موافق دعا و توجه باشد، نه محجوب و گرفته و آلوده.

و چون این دو شرط موجود شد: از لحاظ نتیجه جای تردیدی نخواهد بود، زیرا هرگز اِمْسَاک و بخلی در طرف پروردگار متعال متصور نباشد، و او ذاتاً رحمان و رحیم است. (تفسیر روشن، ج ۱۲، ص: ۱۰۲)

اوقات مناسب جهت راز و نیاز علامه طباطبایی در بحث روایی، روایات موجود در ذیل این آیه را بیان می‌دارند که در

### در مذمت سخن چینی

امام صادق علیه السلام:

انَّ مِنْ اكْبَرِ السَّحْرِ التَّمِيمَةَ يَفْرُقُ بِهَا بَيْنَ الْمُتَحَابِّينَ وَ يَجْلِبُ الْعِدَاوَةَ عَلَي الْمُتَصَافِيينَ وَ يَسْفِكُ بِهَا الدِّمَاءَ وَ يُهْدِمُ بِهَا الدُّورَ وَ يَكْشِفُ بِهَا السُّتُورَ وَ التَّمَامُ اشْرُ مِنْ وَطِيءِ عَلَي الرِّضِ بِقَدَمٍ؛

از بزرگ‌ترین جادو، سخن چینی است؛ زیرا با سخن چینی، میان دوستان جدایی می‌افتد، دوستان یکدل با هم دشمن می‌شوند، به واسطه آن خون‌ها ریخته می‌شود، خانه‌ها ویران می‌گردد و پرده‌ها دریده می‌شود. سخن چینی، بدترین کسی است که روی زمین راه می‌رود. بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۲۱، ح ۱۴

## خیر و برکت در چه صورت؟

امام صادق علیه السلام:  
الْمُفْرَضُ أَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي رِاحَةِ الْأَبَدِ وَالْإِعْشَاءِ الدَّائِمِ  
الرَّغْدِ وَالْمُقَوَّضُ حَقَّهُو الْعَالِي عَنِ كُلِّ هِمَّةٍ دُونَ اللَّهِ تَعَالَى  
کسی که کارهای خود را به خدا بسپارد همواره  
از آسایش و خیر و برکت در زندگی برخوردار است  
و واگذارنده حقیقی کارها به خدا، کسی است که تمام  
همت‌ش تنها بسوی خدا باشد.

مصباح الشریعة ص ۱۷۵

# مؤمن کار بیهوده نمی‌کند

انگارد و در مقابل، خدمت دیگران را هر چند اندک و کم باشد، بزرگ بشمارد و آن را جبران نماید و از منت گذاشتن به افراد به خاطر خدمتی که به آنان نموده، جدا بپرهیزد که منت گذاری به قول قرآن مجید یقیناً سبب باطل شدن عمل و محرومیت خادم از رحمت و فضل خدا می‌شود.

### احترام به نظر صاحب نظران

زائر در این سفر - که از زیباترین عرصه‌های معنوی است - باید توجه داشته باشد که بالاترین و برترین صاحب نظر، خداوند است و سپس پیامبران بویژه پیامبر عزیز اسلام (ص) و ائمه معصومین و پس از آنان، فقهای عظام و دین‌شناسان و عارفان به معارف حق و حقیقت و دارندگان تجربه‌های مفید!

بنابر این باید با کمال انصاف و به دور از هر گونه تکبر، به نظر این صاحب نظران که جز مصلحت انسان و سعادت دنیا و آخرت او را نمی‌خواهند، احترام گذارده و نظر آنان را پذیرفته و در همه امور به کار بست.

اگر زائری از زائر دیگر نسبت به مناسک یا مطلبی که در زندگی کاربر دارد، یا خرید سوغاتی برای اهل و عیالش راهنمایی خواست، با کمال محبت و حوصله او را راهنمایی کند.

زائر در طول سفر به کسانی که عنوان مددکار بر خورد می‌کند که از طرف ایران برای خدمت به حجاج به کار گرفته شده‌اند و آموزش‌های لازم را در وطن دیده‌اند و هدف و نیتی جز خدمت خالصانه و مدد رساندن عاشقانه به زائر ندارند، بنابر این باید با مددکاران همکاری کرده، از راهنمایی آنان استفاده نماید و از مخالفت با ارشاد آنان بپرهیزد.

امیرمؤمنان سلب آسایش دوستان خود گردد.  
امام علی (ع) در روایتی می‌فرماید: «بدترین برادران، کسی است که باعث زحمت و تکلف دیگران گردد.»  
نرم و آهسته سخن گفتن و گزیده گویی، از دستورهای بسیار مهم اسلام است که مراعاتش بر همگان واجب اخلاقی است. زائری که برای جلب رضایت حق و یاری دادن به مهمانان الهی و کمک به همسفران و هم‌اتاقی‌ها به خدمت برمی‌خیزد، لازم است خدمت خود را هر چند برگ باشد، کوچک و ناچیز



**حجت الاسلام والمسلمین حسین انصاریان**  
بر زائر لازم است که در طول سفر نسبت به همگان بویژه نسبت به هم‌اتاقی‌هایش مسائل عالی اخلاقی را - که هر کدام راهی به سوی رحمت خداست - مراعات کند؛ پاره‌ای از این مسائل عبارت است از: اجتناب از گفت‌وگوها و بحث‌های بیهوده و مسائلی که سودی برای طرفین ندارد و چه بسا رنجش و دل‌تنگی و کینه گردد، حفظ حریم طرف، پرهیز از سخن‌های زشت و ناروا و...

رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید:  
«بارزش‌ترین مردم کسی است که هر چیز بیهوده را ترک کند او هرگز وارد آن نگردد.»  
امیرمؤمنان علی (ع) نیز می‌فرماید: «گفتار و کردار بیهوده و بی‌معنار او گذارید تا سبک مغزان از شما دوری نماید.»  
و نیز آن حضرت در جایی دیگر می‌فرماید: «بسا گفتار بیهوده و کردار سبک و بی‌معنا که شر و زبانی به دنبال دارد.»  
یکی از خلصت‌های نیکو نسبت به همسفران و بخصوص به هم‌اتاقی‌ها، ابراز دوستی و محبت است. چرا که اظهار دوستی و محبت سبب جلب محبت و دوستی دیگران نسبت به انسان می‌شود. در جای جای کتاب آسمانی ما، خداوند دوستی و محبتش را به مؤمنان، صابران، متقیان، متوکلان، محسنان، نائبان، پاکان و عادلان مکرر در قرآن کریم ابراز کرده است.  
بنابر این زائر باید از آیه‌های نورانی قرآن سرمشق گرفته نسبت به همسفرانش که اهل ایمان و مهمان خدا هستند، دوستی و محبتش را اظهار نماید. زائر باید نسبت به دوستانش بهترین دوست باشد تا مبادا در محیط امن الهی به فرموده

## استغفار در سحرگاه پذیرفته‌تر است

درس‌های اخلاقی آیت‌الله حاج شیخ مجتبی تهرانی

### «سحر» در آیات قرآن کریم

در بعضی از روایات داریم که دعا در سحرگاهان مؤثر است. یکی دو نکته را عرض کنم. بعد روایت مربوطه را هم می‌خوانم: اولاً «سحر» یعنی زمان نزدیک به طلوع فجر، زمان نزدیک به دمیدن سپیده‌دم را «سحر» می‌گویند.

ثانیاً این تعبیر «سحر» از آیات قرآن اتخاذ شده است و حتی در خود روایت هم این آیات استخدام شده است. ما در آیات متعددی این معنا را داریم که تعبیر به سحر فرموده است. در سوره الذاریات در توصیف متقین می‌فرماید: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ»؛ تا می‌رسد به اینجا که «وَبِالْأَشْحَارِ هُمْ يَسْتَعْفِفُونَ» یعنی متقین در سحرگاهان طلب مغفرت می‌کنند. در سوره آل عمران هم در توصیف متقین، آنجا که خصوصیات آنها را بیان می‌کند، می‌فرماید: «وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَشْحَارِ». در سوره حضرت یوسف (ع) آنجایی که فرزندان حضرت یعقوب (ع) آمدند و پیشیمان شدند و خواستند عذر خواهی و توبه کنند، به پدر گفتند: «يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ»؛ آنها راجع به گناهان‌شان تقاضای مغفرت کردند و حضرت به آنها پاسخ داد: «قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ». فرمود: من بعد از پروردگارم برای شما استغفار می‌کنم. یعنی همان موقع استغفار نکرد

و کار را به آینده موکول کرد. حالاً من بعداً سیر این مطلب را می‌گویم. در روایتی هم داریم که «أَخَّرْهُمْ إِلَى السَّحْرِ»؛ یعنی او می‌خواست هنگام سحر برایشان استغفار کند. غرض این که آیات هم آن موقعیت خاص سحر را مطرح می‌کند.

### سحر در روایات

در روایات هم ما این مطلب را داریم و من فقط دو سه روایتی را که در ارتباط با آیات است، مطرح می‌کنم و گر نه روایت در این زمینه زیاد است. در روایتی از پیغمبر اکرم (ص) در بین وصایایی که به امام علی (ع) می‌فرماید: آمده است که حضرت خطاب به آن حضرت می‌فرماید: «يَا عَلِيُّ وَ بِالْأَشْحَارِ فَادْعُ لِاتِّزِدَ لَكَ دَعْوَةٌ»؛ یعنی ای علی، هنگام سحر دعا کن و از خدا درخواست کن! چرا؟ چون دعایت در آن موقع رد نمی‌شود. «لا ترد لك دعوة» بعد حضرت علت را بیان فرمودند: «وَ إِنْ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَقُولُ وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَشْحَارِ»؛ چون خداوند چنین فرموده است و همان آیه را استخدام کردند.

### در سحر چه بخوایم؟

در باب «درخواست» که چه باشد، لسان روایات عمومی

است و هر خواسته‌ای را شامل می‌شود. یعنی انسان در سحر می‌تواند هر چیزی را از خداوند بخواهد. اما در هر سه آیه‌ای که مطرح شد که روایات هم به همین سه آیه استناد کرده بودند؛ درخواست مربوط به «مغفرت» کردن از خداوند است «وَبِالْأَشْحَارِ هُمْ يَسْتَعْفِفُونَ»؛ حتی فرزندان یعقوب هم از پدر طلب غفران کردند و او در جواب آنها گفت: «سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي».

### تأثیر سحر بر استغفار

این مطلب هیچ منافاتی ندارد با این که سحر در تأثیر گذاری روی دعا به طور کلی، چه دعا برای استغفار باشد چه برای غیر استغفار، نقش داشته باشد. مطلب این است که این زمان بیشترین اثر را در بین ادعیه، روی دعایی دارد که بنده برای مغفرت و آمرزش خود می‌کند. دیدید که هر سه آیه هم مربوط به مغفرت بود. گرچه روایات ما دایره و مدار دعا را باز کرده بود اما آیه‌ای که استخدام فرموده بودند، همه مربوط به طلب غفران از خداوند و آمرزش خواستن از او بود. پس می‌فهمیم که این زمان، یعنی سحر، روی استغفاری که عبد می‌کند و پوزش‌هایی که از ریش می‌طلبد، تأثیر فراوان دارد و در حقیقت اثرش روی آن بیشتر است.



## ویژگی های نماز

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم :  
 الصَّلَاةُ مِنْ شَرَائِعِ الدِّينِ وَ فِيهَا مَرْضَاةُ الرَّبِّ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هِيَ  
 مِنْهَاجُ الْأَنْبِيَاءِ وَ لِلْمُصَلِّي حُبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ هُدًى وَ إِيمَانٌ وَ نُورٌ  
 الْمَعْرِفَةُ وَ بَرَكَتُهُ فِي الرَّزْقِ ...  
 نماز، از آیین های دین است و رضای پروردگار، در آن است. و  
 آن راه پیامبران است. برای نماز گزار، محبت فرشتگان، هدایت،  
 ایمان، نور معرفت و برکت در روزی است...  
 خصال ص ۵۲۲، ح ۱۱

خبرنامه

دوره جدید - شماره ۳۶  
 ۴ آبان ۱۳۹۳  
 ۲ محرم الحرام ۱۴۳۵  
 26 October 2014

۹۳

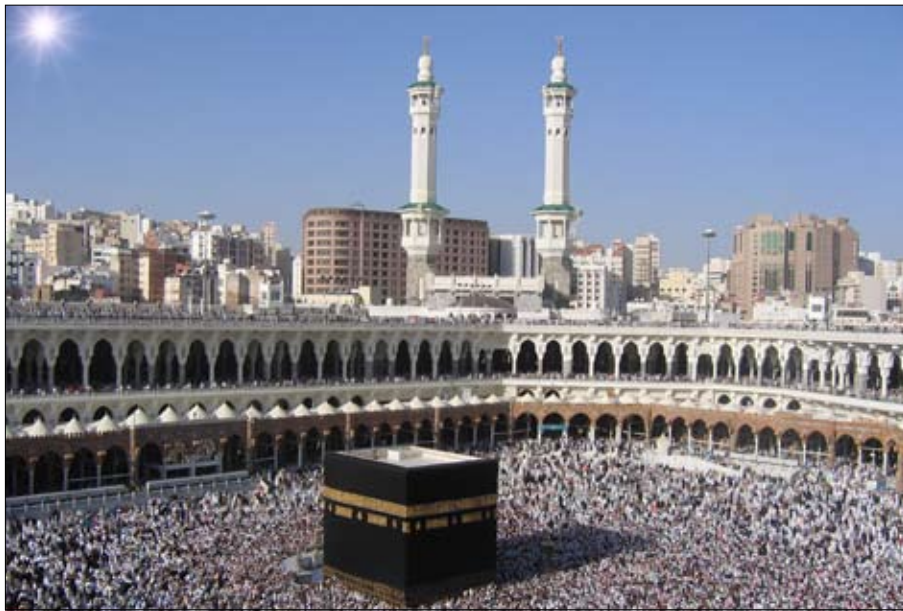
## روایاتی درباره بندگی خدا

■ امام صادق علیه السلام:  
 قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى:  
 مَا تَحَبَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِأَحَبِّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ؛  
 خداوند می فرماید: بنده من با هیچ کاری پسندیده تر از انجام آن چه که بر او فرض  
 کردم، محبوب من نمی شود.

■ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم:  
 أَسْبَغَ الْوُضُوءَ تَمَّرَ عَلَيَّ الصِّرَاطِ مَرَّ السَّحَابِ أَفْشِيَ السَّلَامَ يَكْفُرُ خَيْرٌ بَيْتِكَ أَكْثَرَ مِنْ صَدَقَةٍ  
 السَّرَّ فَاثْنَاهَا تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ.  
 وضو را کامل بگیر تا همچون ابر از صراط عبور کنی، با صدای آشکار سلام کن تا خیر و برکت  
 خانه ات افزون شود و زیاد صدقه ی پنهانی بده که این کار خشم پروردگار را فرومی نشاند.  
 وسائل الشیعه ج ۱، ص ۴۸۹، ح ۱۲۹۳

کافی (ط - الاسلامیه) ج ۲، ص ۸۲، ح ۵

# راهی برای احترام گذاشتن به خداوند



■ وقتی همه هستی ما از خداست و بی او هیچ هیچیم، باید  
 هوای او را بیشتر داشته باشیم و او را بر خود و حتی دیگرانی  
 که پیش ما احترام دارند تر جیح دهیم. اما به راستی چگونه  
 می توان خداوند عالم را احترام نمود و بزرگ شمرد؟

وقتی همه هستی ما از خداست و بی او هیچ هیچیم، باید  
 هوای او را بیشتر داشته باشیم و او را بر خود و حتی دیگرانی  
 که پیش ما احترام دارند تر جیح دهیم. هوای خدا را داشتن  
 یعنی، تسلیم دستورات او بودن. یعنی مشق و تکلیف آن  
 مهربانترین معلم را، موبه مؤ انجام دادن. یعنی انجام واجبات  
 و ترک محرمات.

اما انسان هر چه خدا را بیشتر بشناسد، عشق و محبتش هم  
 به او بیشتر می شود. پای عشق و علاقه هم که به میان بیاید،  
 عاشق سر از پا نشناخته، به خدمتگزاری و کار برای معشوقش  
 می شتابد و از هیچ کاری دریغ نمی کند. تا آنجا که توان دارد، به  
 شناسایی و انجام هر کاری که او را به خدای مهربانش نزدیک  
 کند، می پردازد. به هر شکلی شده معشوقش را تکریم و احترام  
 می کند. اما به راستی چگونه می توان خداوند عالم را احترام  
 نمود و بزرگ شمرد؟

پاسخ را از شهر علم و دانایی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله  
 پیاموریم که فرمود:

احترام به مسلمان سالخورده، احترام به خداوند است. ۱.  
 آری، احترام و بزرگداشت سالمندان در اسلام، انقدر  
 ارزشمند است که احترام به آنان را احترام به خدا به حساب  
 آورده است. به همین مقدار هم اکتفا نکرده و وجود انسان های  
 سالخورده در بین خانواده را باعث برکت و افزایش رحمت  
 خداوند شمرده و کسی که به آن ها احترام بیشتری بگذارد را  
 مورد رحمت بیشتر خدا دانسته است.

از سوی دیگر تکریم سالخوردگان، امان نامه ای برای  
 سختی های قیامت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:  
 هر کس سالمند مسلمانی را گرامی داشته و احترام نماید، خداوند  
 او را در قیامت از سختی ها و مشکلات در امان می دارد. ۲.

نهاده است.

از سوی دیگر دنیا دار انعکاس و مکافات است. انسان هر  
 عمل خوبی که انجام دهد به سوی خودش باز می گردد. خدمت  
 به بیماران سالمند هم، نه تنها از این قانون مستثنی نیست،  
 بلکه بیشتر مورد تاکید قرار گرفته تا جایی که پیامبر اکرم  
 صلی الله علیه و آله فرمودند: هر جوانی که پیری را به خاطر  
 سن و سالش گرامی دارد خدا هنگام پیری او، یکی را بیاورد که  
 گرامی اش بدارد. ۳

زندگی پس از مرگ برای همه ماحتمی است و پس از زندگی  
 کوتاه در این دنیا با مرگ به دنیایی دیگر انتقال می یابیم و باید  
 برای آن دنیا نیز توشه برداریم تا این سفر را به خوبی بگذاریم  
 رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: هر کس  
 بزرگسال مسلمان را گرامی دارد خداوند در قیامت از سختی ها  
 و مشکلات در امان می دارد. (الکافی ج ۲ ص ۶۵۸ ج ۳)

امام صادق علیه السلام: لَيْسَ مِثْلًا مَنْ لَمْ يُوقِرْ كَبِيرًا وَ  
 يَرْحَمُ صَغِيرًا؛ (الکافی، ج ۲، ص ۱۶۵) از مان نیست کسی که به  
 بزرگسالان ما حرمت نهد و با خردسالان ما مهربان نباشد.

پی نوشت ها:

۱. کافی: ج ۲، ص ۱۶۵
۲. کافی: ج ۲، ص ۶۵۸
۳. نهج الفصاحه، حدیث ۲۵۶۹

حال که این گونه است باید برای تکریم و احترام  
 سالخوردگان کمر همت بست و مشتاقانه به آنان خدمت نمود.  
 برای خدمت به آنان نیز، کارهای مختلفی می توان انجام داد.  
 اما آنچه که از همه ضروری تر و مهم تر و نیاز اکثر سالمندان  
 می باشد، مسئله ی درمان و سلامت است که معمولاً ذهن و فکر  
 این عزیزان را بیش از هر چیز دیگر مشغول خود نموده است.  
 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هر جوانی که پیری  
 را به خاطر سن و سالش گرامی دارد خدا هنگام پیری او، یکی را  
 بیاورد که گرامی اش بدارد.

امروزه برخی از سالمندان، یا فرزندی ندارند که از آنها  
 مراقبت نموده و در امر درمان و سلامت کمک حالشان باشد  
 و یا مورد بی مهری و بی توجهی آنها قرار گرفته اند. در این بین  
 برخی از این عزیزان، از توان مالی چندانی هم برخوردار نیستند  
 که بتوانند از عهده هزینه های درمان خود برآیند و یا برای خود  
 پرستاری استخدام نمایند.

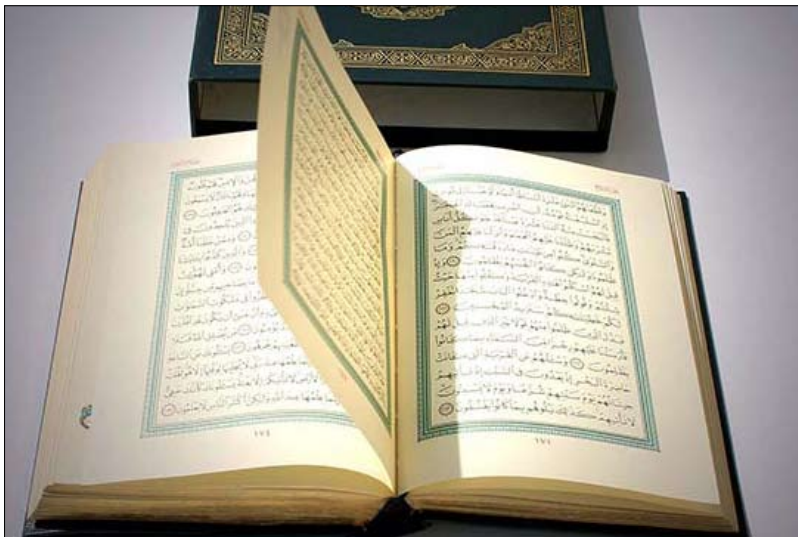
اینجاست که باید به یاری و دستگیری آنان شتافت. اینجا  
 جایی است که باید مورد تکریم و احترام قرار گیرند. باید  
 دست به کار شد و دل شکسته این عزیزان را مرهم شد. در  
 ایام بیماری، مراقبت و رسیدگی از آنها، تهیه دارو و ملزومات  
 درمانی، بستری نمودن در بیمارستان و رسیدگی در منزل و  
 بردن و آوردن آنها به مراکز درمانی، مرهمی است بر دل آنها  
 که جسمشان ثروت گردیده و آفتاب وجودشان رو به غروب

## عاقبت چشم امید به دنیا

پیامبر صلی الله علیه و آله:  
مَنْ انْقَطَعَ السِّيَاحُ إِلَى اللَّهِ كَفَاهُ اللَّهُ كُلَّ مَوْنَةٍ وَ رَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا  
يَحْتَسِبُ وَ مَنْ انْقَطَعَ إِلَى الدُّنْيَا وَ كَلَهُ اللَّهُ إِلَيْهَا:  
هر کس از غیر خدا بپُرد، خداوند، هزینه زندگی او  
را تأمین می کند و از جایی که انتظار ندارد، روزی اش  
می دهد؛ اما هر کس چشم امیدش به دنیا باشد، خداوند، او  
را به دنیا وامی گذارد.

نهج الفصاحه، ص ۷۳۱

مجله خیرنامه  
دوره جدید - شماره ۳۶  
۴ آبان ۱۳۹۳  
۲ محرم الحرام ۱۴۳۵  
26 October 2014



## بانویی که قرآن از او تجلیل کرد

يُؤْتُونَ عَلَي أَنفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَن يُوقِ شُحَّ  
نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (حشر: ۹)  
و آنها را بر خود مقدم می دارند، هر چند خودشان بسیار  
نیازمند باشند، کسانی که از بخل و حرص نفس خویش  
باز داشته شده اند، رستگار اند.

### شان نزول آیه

گفته شده که این آیه درباره خانواده زنی به نام آمنه بنت  
بنت ملحان نازل شده، که با وجود تنگدستی، مرد فقیری را  
اطعام کرده و خود سر گرسنه بر زمین نهادند.

### آمنه سلیم کیست؟

این زن، رمیصاء دختر ملحان بن خالد بود. او در ابتدا با  
مالک بن از دواج کرد و از او صاحب فرزندی به نام انس بن  
مالک شد که از اصحاب رسول خدا (ص) بود.

پس از مرگ پدر انس، بسا ابوطلحه از دواج کرد. پس از  
ظهور اسلام، آمنه سلیم مسلمان شد و با پیامبر (ص) بیعت کرد.  
هنگامی که آمنه سلیم به پیامبر (ص) ایمان آورد، همسرش  
مالک در شهر نبود، و هنگامی که بازگشت به آمنه سلیم گفت:  
«ترک این دین کن». آمنه سلیم گفت: «چرا ترک این دین  
کنم. من به این مرد ایمان آورده ام». آمنه سلیم می گوید:  
«سپس به انس که آن موقع کودکی بیش نبود تلقین کردم  
تا بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»  
و انس چنین کرد». مالک گفت: «تو فرزندم را علیه من  
تحریک می کنی؟» گفتیم: «نه من این کار را نمی کنم». مالک  
با عصبانیت از خانه خارج شد، با کسی که از قیل دشمنی  
داشت، بر خورد کرد و آن شخص او را کشت. آمنه سلیم می گوید:  
«من به قضا رضا دادم و خود را سرگرم تربیت انس نمودم و  
از دواج نکردم تا زمانی که انس به من اجازه داد».

آمنه سلیم تمام تلاشش را برای تربیت تنهافرزندش به کار گرفت  
و چون او به سن رشد رسید، با شرم به حضور رسول خدا (ص)  
رفته و عرض کرد: «ای رسول خدا! می خواهم جگر گوشه ام انس

بن مالک را، به خدمت شما در آورم، تا در خدمت شما تعلیم  
اسلامی را بیاموزد». پیامبر (ص) نیز پذیرفت.

ابوهریره می گوید: مردی به نزد رسول خدا (ص) آمده  
گفت: من ناتوانم و فقیر، یاریم ده. پیامبر (ص) او را به نزد  
برخی از زانش فرستاد، آنها گفتند: مادر خانه غیر از آب  
چیزی نداردیم و هر کدام او را به سوی دیگری فرستاد و دیگری  
هم همین جواب را داد. مرد دوباره به نزد رسول خدا (ص) آمد  
و گفت: آنها چیزی نداشتند که به من بدهند. رسول خدا (ص)  
فرمود: آیا کسی هست که او را مهمان کند تا خدا به او رحم  
کند. اباطلحه برخاسته و گفت: من یار رسول خدا! سپس با آن  
مرد به سوی خانه نزد همسرش، آمنه سلیم، رفت و گفت: آیا  
چیزی در خانه داریم؟ آمنه سلیم گفت: نه غیر از کمی غذا که  
سهم کودکانمان است. اباطلحه گفت: کودکان را سرگرم کن  
و بخوابان و هر چه داریم برای مهمان بیاور و چراغ را از خانه  
بیرون ببر، من دستم را به طرف سفره می برم و خالی بیرون  
می آورم تا مهمان غذا بخورد. آن شب مهمان غذا را خورد و  
کودکان آمنه سلیم و اباطلحه گرسنه خوابیدند. صبح که شد آن  
مرد به سوی رسول خدا (ص) رفته و گفت: من از مهمان داری  
شما تعجب می کنم. در همان لحظه این آیه نازل شد:

يُؤْتُونَ عَلَي أَنفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَن يُوقِ  
شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (حشر: ۹)

و آنها را بر خود مقدم می دارند، هر چند خودشان بسیار  
نیازمند باشند، کسانی که از بخل و حرص نفس خویش  
باز داشته شده اند، رستگار اند.

آمنه سلیم در جنگ های علیه مشرکان شرکت می کرد و به  
مجاهدان مسلمان یاری می رساند. از جمله آن جنگ ها، جنگ  
حنین بود که از خود شجاعت بسیاری نشان داد. در طول جنگ به  
مداوای مجروحان می پرداخت، تشنگان را آب می داد و می ریخت  
را مداوای می نمود. او توانایی دفاع از خود را داشت و در آن زمان  
عبدالله بن اباطلحه را حامله بود. او را در گیر و دار جنگ دیده بودند

که برای دفاع از خود، خود را به خنجر مسلح نموده بود.  
همسرش اباطلحه به پیامبر (ص) گفت: «ای رسول خدا!  
این آمنه سلیم خنجر بر گرفته!». آمنه سلیم گفت: «ای رسول  
خدا (ص)! خنجر بر گرفتم تا هیچ یک از مشرکان جرأت نکنند  
به من نزدیک شود». رسول خدا (ص) تبسم کرده، فرمود: «ای  
آمنه سلیم! همانا خدا تو را کفایت کند و با تو نیکویی نماید».

پیامبر (ص) می فرماید: «در معراج به بهشت داخل شدم،  
صدای راه رفتن کسی را شنیدم، پرسیدم این چه صدایی است؟  
گفتند: این رمیصاء بنت ملحان مادر انس بن مالک است».

رسول خدا (ص) آمنه سلیم را بزرگ می داشت و به او احترام  
می کرد، به دیدار او می رفت و در خانه اش نماز می خواند.

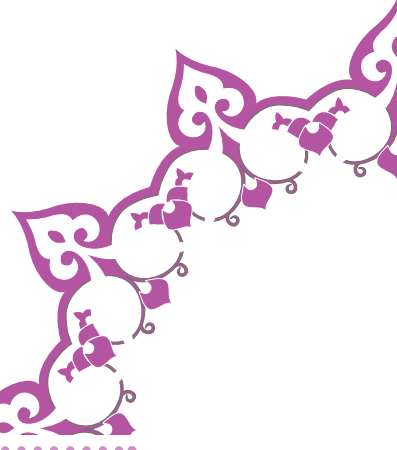
انس بن مالک می گوید: «رسول خدا (ص)، گاهی به  
دیدن آمنه سلیم می آمد و در خانه اش نماز می خواند. آمنه سلیم  
مقام والایی در نزد رسول خدا (ص) داشت، چرا که رسول  
خدا (ص) به خانه هیچ کس غیر از او نمی رفت.

نووی در «شرح صحیح مسلم» می گوید: «آمنه سلیم و  
خواهرش آمنه حرام، هر دو خاله های رسول خدا (ص) بودند  
و پیامبر (ص) به دیدار آنها می رفت». آمنه سلیم می گوید:  
«پیامبر (ص) در خانه من قیلوله می کرد و من برای ایشان  
فرشی می گستردم و ایشان بر آن می خوابید».

آمنه سلیم می گوید: «پیامبر (ص) فرمود: ای آمنه سلیم!  
چرا با ما به حج نمی آیی؟» گفتیم: ای رسول خدا! همسرم دو  
شستر بیشتر ندارد؛ با یکی به حج می آید و با دیگری آب به  
نخلستان می برد. رسول خدا (ص) فرمود: در رمضان این کار  
را بکن، چرا که عمره رمضان مانند حج است».

و این چنین صحابه بزرگ قدر آمنه سلیم بنت ملحان،  
زندگی خود را در جوار رسول خدا (ص) گذراند و از سر چشمه  
نبوت سیراب شد و تعلیم دینی صحیحی را فرا گرفت.

بر گرفته از کتاب آشنایی با زنان قرآنی (جلد ۱)،  
دقس، فواد حمود.



## بندگی خداوند

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله :  
من عبد الله حق عبادته آتاه الله فوق امانیه و کفایته؛

هر که خدا را، آنگونه که سزاوار اوست، بندگی کند، خداوند بیش از آرزوها و کفایتش به او عطا می کند.

مجموعه ورام ج ۲، ص ۱۰۸ - بحار الانوار  
ط - بیروت) ج ۶۸، ص ۱۸۴، ج ۴۴

خبرنامه

دوره جدید - شماره ۳۶  
۴ آبان ۱۳۹۳  
۲ محرم الحرام ۱۴۳۵  
26 October 2014

۹۳



## نکات مهم بهداشتی و امنیتی برای زائران

- ۱- مواظب استراحت دیگران باشید و موبایل و رفت و آمد خود را در نظر بگیرید.
- ۲- هنگام راه رفتن در پله ها و محل های خیلی صاف و لغزنده مواظب جای پای خود باشید تا سُر نخورید.
- ۳- هنگام گذشتن از عرض خیابان از محل های مطمئن با دقت عبور کنید تا سُر نخورید و کم توجهی رانندگان مشکلی ایجاد نکنند.
- ۴- مواد کنسروی و بسته بندی باید نام - نشانی - پروانه - تاریخ مصرف داشته باشد.
- ۵- جهت آرامش خیال و پرداختن به معنویات بی دلیل پول و اشیاء قیمتی با خود حمل نکنید.
- ۶- در دستشویی ها مواظب بهداشتی را لحاظ نموده و مراعات حال دیگران بنمائید و آب دهان را در معابر نیندازید.
- ۷- موقع عطسه و سرفه جلو دهانتان را بپوشانید و از عرق زدن در جمع به جد خودداری نمائید.
- ۸- زیاد روی پایستان منجر به درد کمر و زانو می شود مواظب خود باشید و از پمادهای بدبو استفاده نکنید.
- ۹- خداحافظی و کارهای ضروری خود را چند روز قبل از حرکت انجام دهید تا موقع حرکت استرس نداشته باشید.
- ۱۰- لیستی از کارهای ضروری از همین زمان تهیه و طبق زمان آن را انجام دهید تا در روزهای آخر با تراکم کار مواجه نشوید.
- ۱۱- در این سفر معنوی هیچ وقت استرس به خود راه ندهید. ذکر خدا- توانایی جسمی خود- کمک همراهان کارها را آسان می کند.
- ۱۲- جهت کاهش از استرس و شک، تکلیف شرعی است تمام اعمال و مناسک به طور دقیق از روحانی محترم کاروان فرآگیریید که سهیل انگاری، عمل باطل و جبران ناممکن و باقی ماندن را احرام را بدنبال دارد.
- ۱۳- اینک که زنگار دل با زال زرمز توحید می زداییم بجاست قلبمان از کینه - کبر - حسد پاک کنیم تا با خاطری آسوده به اعمال بپردازیم.
- ۱۴- برای جلوگیری از سرماخوردگی هنگامی که بدنتان گرم است مقابل پنکه - کولر ننشینید و زیر آب سرد نروید و از نوشیدن آب خیلی سرد خودداری کنید. (دمای مطلوب اتاق بین ۱۸ تا ۲۲ درجه سانتیگراد می باشد)
- ۱۵- در طول سرماخوردگی بیشتر استراحت کنید و از غذاهای ترش و سرخ کرده کمتر استفاده کنید و از دم کرده بادام آسیاب شده همراه با مایعات تناول کنید.
- ۱۶- خوش سفر باشید و با نشاط، کم صحبت و خوش بیان، تا دیگران از همنشینی شما لذت ببرند.
- ۱۷- از کاسه - بشقاب و لیوان لب شکسته استفاده نکنید.
- ۱۸- اگر در توان شما نیست از رفتن به محل هایی طاق فرسا نظیر غار حرا خودداری نمائید.
- ۱۹- توصیه های بهداشتی در رابطه با کورونا و ویروس (صرفاً

- ۲۶- پول خود را در چند نقطه گذاشته خوب بخاطر بسپارید تا موقع نیاز به آسانی در دسترس باشد.
- ۲۷- بعضی از فروشندگان مکه و مدینه صدق گفتار ندارند هنگام خرید دقت داشته باشید یا با افراد مطلع خرید کنید.
- ۲۸- خیلی از اجناس در ایران با کیفیت بهتر و قیمت مناسبتر موجود است سوغات را در ایران تهیه کنید تا وقت بیشتری جهت مناسک و خستگی کمتری داشته باشید.
- ۲۹- در مروه و منی مواظب باشید در محل های تقصیر تیغ و اشیای تیز و برنده مشکلی برایتان ایجاد نکند.
- ۳۰- از اصلاح سر و صورت - اقدامات دندان پزشکی و تزریقات در محل های نامطمئن سعودی خودداری کنید. (پیشگیری از هیپاتیت - ایدز)
- ۳۱- در صورت داشتن علائم آنفولانزا مانند تب - گلو درد - درد بدن - سرفه خشک بیشتر استراحت کنید و به پزشک مراجعه کنید و از سرایت به دیگران دقت نمائید، و ده روز قبل از تشریف و اکسن های آنفولانزا و مننژیت خود را تزریق نمایید.
- ۳۲- پنجره ها را باز نگه دارید تا تهویه مناسب برقرار شود زیرا تنفس به تدریج اکسیژن اتاق را مصرف می نماید.
- ۳۳- از دریافت و مصرف غذاهای نذری نامطمئن در طول سفر خودداری فرمائید.
- ۳۴- هر گونه اطلاع رسانی فقط از مدیریت محترم و همکارانشان باخبر خواهید شد لذا در کلیه جلسات توجیهی جهت آشنایی بیشتر حضور بهم رسانید.
- ۳۵- افرادی که ناراحتی معده و دیابت دارند همواره مختصر مواد خوراکی همراه داشته باشند.
- ۳۶- رفتار و گفتار شما باید در عربستان الگو باشد پس کاری که منجر به تحقیر و بر خورد با شما باشد خودداری نمائید. (بازار - قبرستان بقیع و.....)
- ۳۷- هیچ گونه بحث کلامی و رفتاری با عوامل سعودی نداشته باشید. در همه حال صبور باشید.

### جهت آشنایی)

- الف) افرادی که به بیماری های مزمن ریه و نقص ایمنی مبتلا و کهولت سن دارند احتمال ابتلای بیشتری دارند.
- ب) با آب و صابون به دفعات شستشوی دست انجام گردد (می توان از ژل الکل) استفاده کرد.
- ج) از خوردن گوشت نیم پز خودداری نماید.
- د) سبزی و میوه را به خوبی بشوئید.
- ذ) رعایت دقیق مواظب بهداشتی بنمائید و بی دلیل به درمانگاههای سعودی در مجاور بیمارارن قرار نگیرید.
- ر) از تماس غیر ضروری با حیوانات و دام خودداری نمائید.
- ۲۰- زائرنی که دچار بیماری قابل توجه تنفسی حاد تب دار همراه با سرفه هستند:
- الف) تماس خود را با سایر افراد به حداقل رسانند تا از بیمار شدن دیگران جلوگیری شود.
- ب) هنگام عطسه و سرفه نمودن دهان بینی را با دستمال بپوشانند و دستمال را در سطل زباله بیندازد.
- ج) بیماری خود را به پزشک محترم اعزام شده اطلاع دهد.
- د) زائر بیمار تنفسی قابل توجه با علائم تب و سرفه کردن از تماس نزدیک (روبوسی) - دست دادن - صحبت کردن در فاصله کمتر از یک متر) خودداری نموده و از نظر کورونا و ویروس به نزدیکترین مرکز بهداشتی مراجعه نماید و در دوران درمان از ماسک مخصوص استفاده نماید.
- ۲۱- لیوان تاشو درب دار همراه داشته باشید و از لیوان های عمومی استفاده نکنید، لیوان یکبار مصرف خوب است.
- ۲۲- هنگام سوار و پیاده شدن اتوبوس عجله نکنید و مواظب هل دادن دیگران باشید، قدری تحمل کنید تا خلوت شود.
- ۲۳- در سوار شدن اتوبوس و آسانسور رعایت افراد مسن را بنمائید.
- ۲۴- در این سفر معنوی از لذت خدمت به همراهان بهره مند گردید.
- ۲۵- جامه دان خود را بی دلیل زیاد سنگین ننمائید و لباس و ضروریات طبق نیاز همراه بردارید.

## وصول به خداوند

امام حسن عسکری علیه السلام:  
اِنَّ الْوُجُوْلَ اِلَى اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ سَفَرٌ لَا يُدْرِكُ اِلَّا  
بِامْتِنَاءِ اللَّيْلِ؛  
وصول به خداوند عزوجل سفری است که  
جز با عبادت در شب حاصل نگردد.  
بحار الانوار (ط-بیروت)،  
ج ۷۵، ص ۳۸۰

مجله خیرنامه  
دوره جدید - شماره ۳۶  
۴ آبان ۱۳۹۳  
۲ محرم الحرام ۱۴۳۵  
26 October 2014

# نشانه قبولی حج چیست؟

روزها و شبهای زندگی مان تا پایان عمر، روشن نگه داریم.

حج، ذخیره برداری معنوی برای پیمودن راه طولانی «از خود تا خدا» است. این ذخیره ها را در پیچ و خم روزمرگی های زندگی جا نگذاریم.

اگر زندگی پس از بازگشت از این سفر، با قبل از سفر تفاوتی نکرده باشد، به معنای پرداختن به جسم حج و دور ماندن از «روح حج» است، و دریغاً که آن رنجها و عبادت ها و حالتها از دست برود.

نورانیت فراهم آمده از زیارت بیت الله را باید در رواق جانت همیشه تابنده نگاه داری، تنها در این صورت است که حج و عمره، می تواند چراغ راه و نیروی حرکت و توشه سفر باشد و ابراهیم خلیل، مقتدای حاجی گردد و صراط نورانی حضرت رسول (ص)، همواره پیش پای «زائر» باشد.

در یک کلمه، ترک گناه به فرموده حضرت رسول، نشانه قبولی حج است:  
«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُبَدِّلُ الصَّلَاةَ؟ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُبَدِّلُ الصَّلَاةَ؟ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُبَدِّلُ الصَّلَاةَ؟»

البته هیچ کس معصوم نیست و شیطان هم از انسان دست بر نمی دارد، اما شایسته است اگر زائر، پیش از این سفر، بر گناهی عادت داشته و انجام می داده (مقیماً...) پس از حج، آن گناهان مستمر و عادت شده را ترک کند. راستی... هنوز که حاجی هستی و حاجی مانده ای؟ خدا را شکر.

این گوهر را از دست نده  
بر گرفته از کتاب همیشه حاجی  
بمانیم (۱ جلد)، محدثی، جواد.



نشود، از گناهانش بیرون می رود و پاک می شود، همچون روزی که از مادرش متولد شده است.  
آیا این یک نعمت و موهبت بی نظیر الهی نیست؟  
حج، «چراغ راه» است. این چراغ را در

وقتی سخن از «حاجی ماندن» است، یعنی واپس گرایی نداشتن و راه پیموده شده به سوی نور و خدا را، دوباره به سوی نفس و ظلمت برنگشتن و میثاق بندگی را با معصیت، نشکستن.

حفظ پیمان به آن است که بازبانی که «لبیک» گفتی، همچنان لبیک گوی حق باقی بمانی و دعوت نفس اماره و خواسته های نفس را جواب ندهی.

دستی را که به کعبه مالیده و با آن حجرالاسود را لمس کردی، پس از بازگشت از آن سفر به گناه و خیانت نگشایی.

چشمی را که با آن به کعبه نگرستی، به «نگاه حرام» نیالایی.

دلی که در مکه به یاد حق زلال شد و از خوف قیامت لرزید و خاشع گشت، دیگر دچار قساوت و غفلت نشود.

پایی که در مسیر «رمی جمرات» رفت و آمد داشت، یا میان صفا و مروه هروله کرد، یا به طواف کعبه گام زد، دیگر «راه حرام» را طی نکند.

اگر به قربانگاه رفتی، باید همه زندگی یک قربانگاه شود که هر چه جز خدا را در پیشگاه «رضای الهی» قربانی کنی.

حیف نیست که آن شفافیت روح، که دل را آماده پذیرش تجلی های عرش می سازد، دوباره تیره شود و کدورت یابد؟

حضرت رسول (ص) فرمود:  
«مَنْ حَجَّ هَذَا الْبَيْتِ فَلَمْ يَرْفُثْ وَلَمْ يَفْسُقْ، حَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وُلِدَتْهُ أُمُّهُ».

کسی که این خانه را حج و زیارت کند و از آن پس در پی گناه نرود و مرتکب فسق

## همیشه حاجی بمانیم

حاجی اگر چه در دامنه های قله رحمت، در صحرای عرفات چند ساعتی بیشتر سپری نکرد، اما در همان فرصت کوتاه، در کلاسی فشرده به مرور منظومه بزرگ هستی پرداخت.

جسم حاجی در دامنه های کوه و روحش بر فراز قله آن بر محمل بال فرشتگان به پرواز درآمد و هستی را از ازل تا ابد در زیر پر گرفت. طلیعه این مرور، گذر از صبح السست بود و عهدی که با معشوق در آغاز راه بسته بود. فرصت کوتاه بود و دیدنی ها بسیار، که باید دیده و نیوشیده می شدند. هر نگاه حاجی، رسوخی به جان ماجرا بود و شطح جریان، آدم، حوا، هابیل، قابیل، ابراهیم، هاجر، اسماعیل، نوح، موسی، عیسی، مریم و انسان که در دایره هستی، نزدیکترین مخلوق به مرکز است و رشته های از تمامی موجودات به او متصل و حالا در این گشت و گذار اشرافی، حاجی به اوج و انتهای پروازش

می رسد. به لولا که لما خلقت الافلاک. به رسول الله الاعظم محمد مصطفی (ص) و با صلواتی، کلاس فشرده تاریخ و مرور منظومه بزرگ هستی به پایان می رسد.

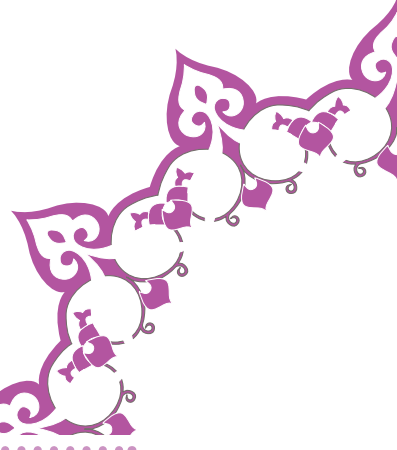
حاجی، عرق ریزان روح را در سفری فشرده و سنگین تجربه می کند. خسته نیست اما نیاز به تامل دارد تا بتواند این حجم حیرت آور تاریخ را هضم کند. حاجی از سفر عرش بازگشته و احساس می کند، تنها نگاه به آسمان می تواند به او در سبک شدن این حیرت سنگین کمک کند. حاجی از سفر عشق بازگشته نیازمند مباحثه با شعور خویش است و چنین است که سمت مشعر را به او نشان می دهند و حاجی قدم به رستگاه شعر شیوای شعور - مشعر - می گذارد. دشت در سکوت آرام بخشی فرو رفته است. اما چراغ دل حاجی روشن است و می تواند با سفر به درون خویش، در

پر تو آن نور ازلی نگاهی دوباره داشته باشد به آنچه امروز بر او گذشته است. همه چیز برای این شب زنده داری سرشار از کشف و شهود آماده است. شعاعی از نور بین دل حاجی و آسمان در رفت و آمد است. نمی دانند این پر تو از آسمان بر آینه جاننش می تابد و بازمی گردد یا از دل او ساطع شده و بر آینه آسمان می خورد و منعکس می شود، یا هر دو به هم نور می دهند و باز می تابانند.

حاجی ذره ذره، با تامل و تمرکز، مجاور نور می شود، نور می آید و می رود و حاجی را روشن و روشنتر می کند تا جایی که خود به تمامی نور می شود و بین زمین و آسمان در حرکت. حالا حاجی به خورشید رسیده و غبار حیرت از میان برداشته شده است.

که به خورشید رسیدیم و غبار آخر شد





## نگاه کردن و عبادت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله:  
التَّظَرُّ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ عِبَادَةَ النَّظَرِ فِي وَجْهِ  
الْوَالِدَيْنِ وَفِي الْمُصْحَفِ وَفِي الْبَحْرِ  
نگاه کردن به سه چیز عبادت است: به  
صورت پدر و مادر، به قرآن و به دریا.  
صحیفه امام رضا(ع) ص ۹۰، ج ۱۹ -  
بحار الانوار (ط-بیروت) ج ۱۰، ص ۲۶۸، ح ۱۰

خبرنامه

دوره جدید - شماره ۳۶  
۴ آبان ۱۳۹۳  
۲ محرم الحرام ۱۴۳۵  
26 October 2014

۹۳

# چگونه شیطان بر ما مسلط می شود



■ اصل و اساس انحراف و گرفتار شدن در جاده انحرافات و گمراهی ها، خارج شدن از دایره ی بندگی و هدایت خداوند متعال است. به این معنا که هر گاه انسان خود را از چتر ولایت الهی خارج کرد در واقع خود را تحت کنترل ضلالت و گمراهی و ولایت شیطان قرار داده است.

در فرهنگ قرآن اصل و اساس انحراف و گرفتار شدن در جاده انحرافات و گمراهی ها، خارج شدن از دایره ی بندگی و هدایت خداوند متعال است. به این معنا که هر گاه انسان خود را از چتر ولایت الهی خارج کرد در واقع خود را تحت کنترل ضلالت و گمراهی و ولایت شیطان قرار داده است.

شیطان برای موفقیت و تسلط بر افراد بسیار دقیق و مهندسی عمل می کند و در کار خود با دقت و روش خاص و آرامی به دنبال اهداف خود است که در منطق قرآن با نام سیادت گام به گام از آن یاد می شود: «وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ؛ و از گامهای شیطان، پیروی نکنید! چه اینکه او، دشمن آشکار شماست.» [۱]

مرحله دوست داشتن شیطان هر چند در آیات متعددی خداوند متعال دشمنی آشکار شیطان را برای انسان بیان کرده است ولی انسانی که در غفلت بی خبری و مستی شهوات دنیایی گرفتار شده است، دوستی خدا را فراموش کرده و این دشمن آشکار را دوست خود قرار می دهد که در نهایت با اتخاذ این دوستی نکبت بار، شقاوت اخروی را برای خود فراهم می کند. «إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ هَمَانًا سُلْطَى الشَّيْطَانِ بِرِكَاسٍ» است که او را دوست دارند (ولایت او را بر خویش بپذیرند). [۲]

مرحله قلقلک و القای شیطانی هر چند در آیات متعددی به شیطان و دشمنی اش اشاره شده ولی نباید از این موضوع غافل شد که تحركات و تهدیدات شیطان در حد قلقلک و وسوسه است. «وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلَا لَوْمُوا أَنفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِي إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ و شیطان، هنگامی که کار تمام می شود، می گوید: «خداوند به شما وعده حق داد و من به شما وعده (باطل) دادم، و تخلف کردم؛ من بر شما تسلطی نداشتم، جز اینکه دعوتتان کردم و شما دعوت مرا پذیرفتید؛ بنا بر این، مرا سرزنش نکنید خود را سرزنش کنید؛ نه من فریادرس شما هستم، و نه شما فریادرس من؛ من نسبت به شرک شما دربارہ خود، که از قبل داشتید، (و اطاعت مرا هم ردیف اطاعت خدا قرار دادید) بیزار و کافر! مسلماً ستمکاران عذاب دردناکی دارند.» [۳]

مرحله ارتباط حضوری یاران شیطان (مشاوره حضوری)

داشتن باشیم، حتماً در سفر درست و به سوی مقصد حرکت می کنیم و سعی می کنیم که منحرف نشویم و اگر شدیم نیز سریع بر می گردیم.

ج - اما راجع به نماز، نکته بسیار است و از جمله آن که انسان باید «مخاطب» را بشناسد و گفتگوی خود با او را باور کند. آن وقت ارتباط بین عاشق و معشوق برقرار می شود و این ارتباط حتماً شیرین است. تا حدی که انسان دوست ندارد به پایان رسد و وقتی هم به اجبار به پایان برسد، آدمی منتظر فرصت و نوبت بعدی تجدید این دیدار و گفتگو می شود. اما نماز بی توجه، ملال آور و خستگی آور می شود و طبعاً انسان نسبت به آن بی رغبت می شود.

کافی است یک بار تجربه کنیم. مثلاً چند دقیقه قبل از اذان خود را حاضر کنیم. حاضر برای گفتگوی با محبوب. بعد در دل بگوییم: خدایا تا چند دقیقه دیگر، اذان می شود، یعنی اذن می دهی که بیایم و مستقیم با تو مرتبط شوم و راز و نیاز کنم و من لحظه شماری می کنم. و بعد که اذان شد، یاد جماعت شرکت کنیم و همه ی حواسمان را به حضور در محضر حق تعالی بدهیم و اگر نشد، مقابل حق تعالی با عشق و ادب بایستیم و نماز بخوانیم.

شاید لذت همین یک بار، تداومش را به دنبال آورد. در هر حال شروط و رسم عشق و عشق بازی را همگان بلد هستند، چون فطری است. فقط لازم است لحظاتی به معشوق توجه کنند. سبب تنبلی به نماز، بیشتر به خاطر این است که با خدا کاری نداریم و فقط می خواهیم نمازمان را خوانده باشیم.

### پی نوشت:

- [۱] سوره بقره آیه ۱۶۸
- [۲] سوره نحل آیه ۱۰۰
- [۳] سوره ابراهیم آیه ۲۲
- [۴] سوره اسراء آیه ۶۴

شیطان در استراتژیک تسلط خود بر انسان تنها به تحركات و وسوسه های نفسانی خود بسنده نمی کند بلکه در موارد زیادی از کار گزارانی استفاده می کند که قبلاً مقهور تسلط شیطان شده اند: «وَأَجْلَسَ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ؛ و با سواران و پیادگان بر آنها بتاز.» [۴]

شیطان برای موفقیت و تسلط بر افراد بسیار دقیق و مهندسی عمل می کند و در کار خود با دقت و روش خاص و آرامی به دنبال اهداف خود است که در منطق قرآن با نام سیادت گام به گام از آن یاد می شود: «وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ؛ و از گام های شیطان، پیروی نکنید! چه اینکه او، دشمن آشکار شماست!»

### چگونه جلوی تسلط شیطان را بگیریم؟

شرط و قدم اول در مبارزه با دشمن، همان «دشمن شناسی» است. بدیهی است که تا کسی دشمن را نشناسد، حتی با او مخالفت هم نمی کند، چه رسد به مبارزه و چه بسا از غفلت، فریب خورده و او را دوست نیز بشناسد. لذا خداوند متعال با قید این که او دشمن آشکار شماست، امر می کند که اطاعتش نکنید:

«لَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ بَيْنِي عَادِمٌ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (یس - ۶۰)

ترجمه: مگر با شما عهد نسبتم و نگفتمم ای فرزندان آدم شیطان را اطاعت مکنید که او برای شما دشمنی آشکار است. اغلب ما می دانیم که «شیطان»، چه ابلیس باشد، چه افراد و چه هوای نفس، دشمن است، ولی باور نکرده ایم. لذا قدم اول دشمن شناسی و باور دشمنی اوست و قدم بعد مقابله ی با اوست. یعنی هر چه گفت، خلافتش را انجام بدهیم. ب - نکته ی مهم بعدی که سبب حفظ انسان از تبعیت شیطان می شود، باور معاد است. خیلی ها خدا (مبدأ) را می شناسند، اما به معاد باور محکمی ندارند. اگر ما مقصد را باور

## وسيله تقرب

امام کاظم علیه السلام:  
أَفْضَلُ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ بِعِدِّ  
الْمَعْرِفَةِ بِهِ، الصَّلَاةِ؛  
بهترین چیزی که بنده بعد از  
شناخت خدا به وسیله آن به درگاه الهی  
تقرب پیدا می کند، نماز است.  
تحف العقول، ص ۳۹۱

مجله خیرنامه  
دوره جدید - شماره ۳۶  
۴ آبان ۱۳۹۳  
۲ محرم الحرام ۱۴۳۵  
26 October 2014

# آزمایش و تمرین عفت اجتماعی

باید گفت آنچه مقابل طغیان جنسی یا عمل گناه، ایستادگی می کند، ایمان است؛ یعنی مرد و زن مسلمان در موسم حج به تربیت قرآنی عمل می کنند که می فرماید:

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يُغْضَوْنَ مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ﴾ (نور: ۳۰ و ۳۱)

به مؤمنان بگو چشم‌های خود را از نگاه به نامحرمان آفرو گیرند و دامان خود را از بی عفتی حفظ کنند. این برای آنان پاکیزه‌تر است. خداوند به آنچه انجام می دهند آگاه است و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را از نگاه هوس آلود آفرو گیرند و دامان خویش را از بی عفتی حفظ کنند.

به عبارت دیگر، کنترل روابط اجتماعی زن و مرد در موسم حج به وسیله نظام اجتماعی نیست، بلکه عامل بهبودبخش روابط زن و مرد مسلمان، «ایمان» است. از این رو می توان عفت اجتماعی را در موسم حج مرحله تمرین و آزمون دانست تا تعاملات اجتماعی زن و مرد در زندگی اجتماعی بهبود یابد و براساس ایمان شکل گیرد.

**برگرفته از کتاب آموزه ها و آثار اجتماعی حج (۱ جلد)، بافکار، حسین.**



نوع تربیت در حج به خوبی نمایان است. چگونه می شود که مرد و زن مسلمان طی چند روز در فشرده ترین و متراکم ترین مکان ها گام به گام، دوش به دوش و شانه به شانه هم حضور داشته باشند، عمل طواف یا مسعی را انجام دهند، گروه زن ها از میان گروه مردان عبور کنند، اما مرد ها به زن ها خیره نگاه نکنند یا سعی کنند مرتکب عمل گناهی نشوند؟ چه عاملی سبب می شود که حتی زن و مرد مسلمان به فکر گناه هم نیفتند و سعی کنند مناسک چند روزه حج را سلامت به پایان برسانند؟ در پاسخ

نیازمندی ها و دارایی های گوناگونش در آن به سر می برد، پشت سر گذارد. در حج نیروهای عاطفی بهنجار نسبت به دیگران رشد می کند و ثابت می شود که انسان می تواند عواطف فردی خویش را زیر پا گذارد و آن را نثار جامعه کند. ۱

اگر چه مراعات پوشش و آرایش در کاهش فشار جنسی و فساد اخلاقی در جامعه مؤثر است، ولی عامل مهم تر، تربیت دینی زن و مرد مسلمان در عمل است که در برخوردهای اجتماعی مرتکب گناه نشوند. نمونه عملی این

هر ساله در صحنه های گوناگون موسم حج، به ویژه در میقات، طواف، مسعی، عرفات، مشعر و منا به زن و مرد او همسران مسلمان آموخته می شود که در برخوردهای اجتماعی مراقب یکدیگر باشند، در مقابل هم به دور از هر گونه آرایش و با لباس معنوی ظاهر شوند و حتی باید از لذت جنسی حلال هم صرف نظر کنند؛ قرآن در این باره می فرماید:

﴿فَلَا زُفَىٰ وَلَا فُسُوقٌ وَلَا جِدَالٌ فِي الْحَجِّ﴾ (بقره: ۱۹۷)

باید بدانند که [در حج آمیزش جنسی و گناه و جدال روان نیست.

در این آیه مراد از «رفث» هم بستری و بهره گیری لذت جنسی است که باید در حج از آن اجتناب کرد که به یقین این دستور خداوند در موسم حج بی حکمت نیست.

«حاجی با مقداری خودداری از نیازهای روانی و بیولوژیکی (آمیزش، ازدواج، آرایش) مفاهیمی چون تعادل، توانایی، تحمل محرومیت و توانایی فداکاری و ایثار را در ذهن خود جای می دهد و اراده و تن را در برابر نیازهای مختلف مادی و روانی مقاوم می سازد؛ یعنی وی بر شیوه های تربیتی فردی و اجتماعی، براساس قانون توحیدی پای می فشارد و عمل می کند و می تواند حالت نابهنجاری را که انسان در برابر

## نیازسازی کاذب

انسان از لحاظ روانی، آمادگی زیادی برای راحت طلبی، تجمل پرستی و حتی متمایز کردن خویش از افراد دیگر با در اختیار گرفتن کالاها و خدمات بیشتر دارد تا به این وسیله شکافی بین خود و سایر گروه های جامعه به وجود آورد و از این شکاف، برای تثبیت وضعیت اجتماعی خود استفاده کند؛ از این رو برخی سعی می کنند با تجمل پرستی و ریخت و پاش ها، به نیازهای غیر واقعی خود که با قرار گرفتن در چنین فضایی ایجاد شده، پاسخ بدهند. نبود اطلاعات کافی در مورد مزایای کالاها، ساده و سنتی از یک سو و ناگهانی از مضرات تولیدات صنعتی از سویی دیگر، یکی از دلایل گرایش به مصرف گرایی و ریخت و پاش های غلط به شمار می رود. اگر واقعا روشن شود غذای ساده ای مثل تخم مرغ چه فوایدی دارد و غذایی مانند کالباس یا سوسیس چه مضراتی در پی دارد، یقینا سفره آراسته به غذاهای ساده و مقوی را بر انواع و اقسام فست فودها، اسنک ها، تنقلات چرب و شیرین، نوشیدنی های قندی و... ترجیح می دهیم. جالب این که نوع این کالاها به گونه ای هستند که جزو نیازهای اولیه نیز به شمار نمی آیند، بلکه صرفا اقناع کننده حس تنوع خواهی افراد است. متأسفانه مشکل آنجاست که با توجه به آسیب پذیر بودن فرهنگ عمومی جامعه، هر قدر تبلیغات ناسالم در سطح بالا و فرهنگ عمومی در حد پایین باشد، امکان رشد روحیه راحت طلبی و تجمل پرستی بیشتر است. انسان هایی که اعتماد به نفس کمتری دارند و کمتر در مورد نقش خود در جامعه فکر می کنند، آسان تر پذیرای روحیه مصرف گرایی هستند؛ از این رو بسیاری از مردم با مشاهده تبلیغات کالاها، به خرید آن اقدام می کنند و از آنجا که این تبلیغات هر روز رنگ و شکل تازه تر و جذاب تری به خود می گیرند، همین عامل باعث رواج مصرف گرایی و گرایش شدید به آن می شود.

## کوچه های رحمت

**جواد محدثی / کمی در کوچه پس کوچه های رحمت بگرد. لحظاتی «کارنامه» خویش را مرور کن. چه می بینی؟ نقاط روشن آن بیشتر است یا نقاط تیره اش؟ بنا بود که روز عرفه، در «عرفات» آرزیده شسوی، آن اشک ها و ناله ها چه شد و کجا رفت؟ تنها برای آن «نیمروز سبز دعایی» نبود و فقط قرار نبود که آن اشک ها و گریه ها در دامنه «حلب الرحمه» جا بماند و بیایی! قرار هم نیست که «تاملات منا» را، صفای روز «ایام تشریق» را، زلال نیایش در «مسجد الحرام» را و شور و حال کنار کعبه و مقام ابراهیم را اینجا جا بگذاری و تهیدست به ایران برگردی. باری، آینه بر دار، کمی به خودت نگاه کن. در خلوت خویش، با خودت صمیمی باش، بدون تظاهر و خودنمایی و ظار سازی، بی تعارف و مجامله. کیستی، در کجایی، چیستی؟ منا، جایگاه مناسب «خلوت با خویش» است. می گویی نه؟ به اطراف بنگر، کمی از غوغای ماشین ها و ازدحام جمعیت فاصله بگیر، به کناره ها، به جاهای خلوت تر برو، کم نیستند کسانی که در خود، غرقند، می اندیشند، می گریند، می نالند، با گردنی کج و چشمانی اشکبار همراه با استغفار. جدا از خنده ها و حرف ها، تنها در جمع در خلوتی آمیخته به خشوع و دعا. آسمان آنها به زمین نزدیک است. آسمان چشمشان هم بارانی است و هوای دل شان ابری. از خود دوباره بپرس: اینجا کجاست و من کیستم و چیستم؟ کوچ نزدیک است و سفر، رو به پایان، کارم چیست؟ بارم چیست؟ عرفات و مشعر و منا، سرزمین «خلوت با خویش» است و «هم صحبتی با خدا»**



**ادامه از صفحه ۲ - رفتارش با مردم، رفتار خوش بود.** در جمع مردم، همیشه بشاش بود. تنها که می شد، آن وقت غمها و حزنها و همومی که داشت، آن جا ظاهر می شد. هموم و غمهای خودش را در چهره خودش جلو مردم آشکار نمی کرد. بشاش بود. به همه سلام می کرد. اگر کسی او را آزاده می کرد، در چهره اش آزرده می دید؛ اما زبان به شکوه باز نمی کرد. اجازه نمی داد در حضور او به کسی دشنام دهند و از کسی بدگویی کنند. خود او هم به هیچ کس دشنام نمی داد و از کسی بدگویی نمی کرد. کودکان را مورد ملاحظت قرار می داد؛ با زنان مهربانی می کرد؛ با ضعفا کمال خوشرفتاری را داشت؛ با اصحاب خود شوخی می کرد و با آنها مسابقه اسب سواری می گذاشت. زیراندازش یک حصیر بود؛ بالش او از چرمی بود که از لیف خرما پر شده بود؛

خبرنامه  
دوره جدید - شماره ۳۶  
۱۳۹۳ آبان  
۲ محرم الحرام ۱۴۳۵  
26 October 2014

## گوشه‌هایی از زندگی و شخصیت پیامبر (ص) در بیانات رهبر معظم انقلاب

می کرد و زیر نظر داشت؛ مثل عبدالله بن ابی. عبدالله بن ابی - متناقض درجه یک - علیه پیامبر توطئه هم می کرد؛ لیکن پیامبر فقط او را زیر نظر داشت، کاری به کار او نداشت و تا اواخر عمر پیامبر هم بود. اندکی قبل از وفات پیامبر، عبدالله بن ابی از دنیا رفت؛ اما پیامبر او را تحمل می کرد. اینها دشمنانی بودند که از ناحیه آنها حکومت و نظام اسلامی و جامعه اسلامی مورد تهدید جدی واقع نمی شد. اما پیامبر با دشمنانی که از ناحیه آنها خطر وجود داشت، به شدت سختگیر بود.

همان آدم مهربان، همان آدم دلرحم، همان آدم پرگذشت و با اغماض، دستور داد که خائن بنی قریظه را - که چند صد نفر می شدند - در یک روز به قتل رساندند و بنی نضیر و بنی قینقاع را بیرون راندند. و خیبر را فتح کردند؛ چون اینها دشمنان خطرناکی بودند. پیامبر با آنها اول ورود به مکه کمال مهربانی را به خرج داده بود؛ اما اینها در مقابل خیانت کردند و از پشت خنجر زدند و توطئه و تهدید کردند.

پیامبر عبدالله بن ابی را تحمل می کرد؛ یهودی داخل مدینه را تحمل می کرد؛ قرشی پناه آورنده به او یا بی‌آزار را تحمل می کرد. وقتی مکه را فتح کرد، چون دیگر خطری از ناحیه آنها نبود، حتی امثال ابی سفیان و بعضی از بزرگان دیگر را نوازش هم کرد؛ اما این دشمن غدار خطرناک غیرقابل اطمینان را به شدت سرکوب کرد. اینها اخلاق حکومتی آن بزرگوار است. در مقابل سوسه‌های دشمن، هوشیار؛ در مقابل مؤمنین، خاکسار؛ در مقابل دستور خدا، مطیع محض و عبد به معنای واقعی؛ در مقابل مصالح مسلمانان، بی‌تاب برای اقدام و انجام. این، خلاصه‌ای از شخصیت آن بزرگوار است.

- ۲۱ احزاب: ۲
- ۳ نظیر این مطلب در بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۰۷ آمده است؛ فوقف یسوی لचितه و ينظر اليها.
- ۴ نهج البلاغه، ۷۶
- ۵ کافی: ج ۵، ۷۱
- ۶ فتح: ۲
- ۷ بحار الانوار، ج ۱۰، ۴۰
- ۸ شوری: ۱۵
- ۹ احزاب: ۲۲
- ۱۰ احزاب: ۲۸
- ۱۱ احزاب: ۲۹

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه  
تهران ۱۳۷۹/۲/۲۲



همسران خود بدهد، مسلمانان هم حرفی نداشتند؛ لیکن او حاضر نشد. بعد که زیاد اصرار کردند، پیامبر با آنها حالت کناره‌گیری به خود گرفت و یک ماه از زنان خودش دوری کرد که از او چنان توقعی کردند. بعد آیات شریفه سوره احزاب نازل شد: «یا نساء النبی لستن كأحد من النساء» (۹)، «یا ایها النبی قل لارواک ان کنتن تردن الحیاة الدنیا و الزینتها فتعالین امتعن و اسرحن سراحا جمیلا» (۱۰) و این کنتن تردن الله و رسوله والذآر الاخرة فان الله اعد للمحسنات منکن اجرا عظیما» (۱۱) پیامبر فرمود: اگر می‌خواهید یا من زندگی کنید، زندگی زاهدانه است و تخطی از قانون ممکن نیست.

از دیگر خلیقات حکومتی او این بود که عهد نگهدار بود. هیچ وقت عهدشکنی نکرد. قریش با او عهدشکنی کردند، اما او نکرد. یهود بارها عهدشکنی کردند، او نکرد.

او همچنین رازدار بود. وقتی برای فتح مکه حرکت می کرد، هیچ کس نفهمید پیامبر کجا می‌خواهد برود. همه لشکر را بسیج کرد و گفت بیرون برویم. گفتند کجا، گفت بعد معلوم خواهد شد. به هیچ کس اجازه نداد که بفهمد او به سمت مکه می‌رود. کاری کرد که تا نزدیک مکه، قریش هنوز خبر نداشتند که پیامبر به مکه می‌آید!

دشمنان را یکسان نمی‌دانست. این از نکات مهم زندگی پیامبر است. بعضی از دشمنان، دشمنانی بودند که دشمنیشان عمیق بود؛ اما پیامبر اگر می‌دید خطر عمده‌ای ندارند، کاری به کارشان نداشت و نسبت به آنها آسان‌گیر بود. بعضی دشمنان هم بودند که خطر داشتند، اما پیامبر آنها را مراقبت

پیامبر است. اما اخلاق حکومتی پیامبر. آن حضرت عادل و با تدبیر بود. کسی که تاریخ ورود پیامبر به مدینه را بخواند - آن جنگهای قبیله‌ای، آن حمله کردند، آن کشتاندن دشمن از مکه به وسط بیابانها، آن ضربات متوالی، آن بر خورد با دشمن عنود - چنان تدبیر قوی و حکمت‌آمیز و همه‌جانبه‌ای در خلال این تاریخ مشاهده می‌کند که حیرت‌آور است و مجال نیست که من بخواهم آن را بیان کنم.

او حافظ و نگهدارنده ضابطه و قانون بود و نمی‌گذاشت قانون - چه توسط خودش، و چه توسط دیگران - نقض شود. خودش هم محکوم قوانین بود. آیات قرآن هم بر این نکته ناطق است. بر طبق همان قوانینی که مردم باید عمل می‌کردند، خود آن بزرگوار هم دقیقاً و به شدت عمل می‌کرد و اجازه نمی‌داد تخلفی بشود.

وقتی که در جنگ بنی قریظه مردهای آن طرف را گرفتند؛ خانهایشان را به قتل رساندند و بقیه را اسیر کردند و اموال و ثروت بنی قریظه را آوردند، چند نفر از اّمهات مؤمنین - که یکی جناب ام‌المؤمنین زینب بنت جحش است، یکی ام‌المؤمنین عایشه است، یکی ام‌المؤمنین حفصه است - به پیامبر عرض کردند: یا رسول الله! این همه طلا و این همه ثروت از یهود آمده، یک مقدار هم به ما بدهید.

اما پیامبر اکرم با این که زنها مورد علاقه‌اش بودند؛ به آنها محبت داشت و نسبت به آنها بسیار خوشرفتار بود، حاضر نشد به خواسته‌شان عمل کند. اگر پیامبر می‌خواست از آن ثروتها به

قوت غالب او ان جو و خرما بود. نوشته‌اند که هرگز سه روز پشت سر هم از نان گندم - نه غذاهای رنگارنگ - شکم خود را سیر نکرد. ام‌المؤمنین عایشه می‌گوید که گاهی یک ماه از مطبخ خانه ما دود بلند نمی‌شد. سوار مرکب بی‌زین و برگ می‌شد.

آن روزی که اسبهای قیمتی را با زین و بر گهای مجهز سوار می‌شدند و تهاجر می‌کردند، آن بزرگوار در بسیاری از جاها سوار بر دراز گوش می‌شد. حالت تواضع به خود می‌گرفت. با دست خود، کفش خود را وصله می‌زد (۴).

این همان کاری است که شاگرد برجسته این مکتب - امیرالمؤمنین علیه‌السلام - بارها انجام داد و در روایات راجع به او، این را زیاد شنیده‌اید.

در حالی که تحصیل مال از راه حلال را جایز می‌دانست و می‌فرمود: «نعم العون علی تقوی الله الغنی» (۵) پروید از طریق حلال - نه از راه حرام، نه با تقلب، نه با دروغ و کلک - کسب مال کنید، خود او اگر مالی هم از طریق به دستش می‌رسید، صرف فقرا می‌کرد.

عبادت او چنان عبادتی بود که پاهایش از ایستادن در محراب عبادت ورم می‌کرد. بخش عمده‌ای از شهرا را به بیداری و عبادت و تضرع و گریه و استغفار و دعا می‌گذرانید. با خدای متعال راز و نیاز و استغفار می‌کرد. غیر از ماه رمضان، در ماه شعبان و ماه رجب و در بقیه اوقات سال هم - آن طور که شنیدیم - در آن هوای گرم، یک روز در میان روزه می‌گرفت.

اصحاب او به او عرض کردند: یا رسول الله! تو که گناهی نداری؛ «غفر الله لک ما تقدم من ذنوبک و ما تأخر» - که در سوره‌ی فتح هم آمده: «لیغفر لک الله ما تقدم من ذنوبک و ما تأخر» (۶) - این همه دعا و عبادت و استغفار چرا؟! می‌فرمود: «افلا اکون عبداً شکوراً» (۷) آیا بنده سیاسی‌گزار خدا نباشم که این همه به من نعمت داده است؟!

استقامت او استقامتی بود که در تاریخ بشری نظیرش را نمی‌شود نشان داد. چنان استقامتی به خرج داد که توانست این بنای مستحکم خدایی را که ابدی است، پایه‌گذاری کند. مگر بدون استقامت، ممکن بود؟ با استقامت او ممکن شد.

با استقامت او، یاران آن چنانی تربیت شدند. با استقامت او، در آن جایی که هیچ ذهنی گمان نمی‌برد، خیمه مدنیّت ماندگار بشری در وسط صحراهای بی‌آب و علف عربستان برافراشته شد: «فلذک فادع و استقم كما امرت» (۸) اینها اخلاق شخصی



## میزان

همان دست‌های استعماری که در طول قرنهای گذشته سعی می‌کردند بین شیعه و سنی اختلاف ایجاد کنند، امروز هم تلاش می‌کنند برای این که بین شیعیان و سنیان، کینه و برادر کشی و اختلاف به وجود آورند. شما مردم هوشمند باید مراقب باشید. شاید یک عده خیال کنند که ایجاد اختلاف به نفع مذهب آنهاست، در حالی که اشتباه می‌کنند.

بیانات در دیدار مردم زاهدان ۱۳۸۱/۱۲/۲



خبرنامه



## اوقات شرعی مدینه منوره

۲ محرم الحرام ۱۴۳۵	۴ آبان ۱۳۹۳
۲۶ اکتبر ۲۰۱۴	دوشنبه
۵:۰۶	اذان صبح
۶:۲۳	طلوع آفتاب
۱۲:۰۶	اذان ظهر
۱۵:۲۲	اذان عصر
۱۷:۴۸	اذان مغرب
۱۹:۱۸	اذان عشاء

## صراط



ما با مسلمین اهل تسنن یکی هستیم؛ واحد هستیم که مسلمان و برادر هستیم. اگر کسی کلامی بگوید که باعث تفرقه بین ما مسلمان‌ها بشود، بدانید که یا جاهل هستند یا از کسانی هستند که می‌خواهند بین مسلمانان اختلاف بیندازند. قضیه شیعه و سنی اصلاً در کار نیست، ما همه با هم برادریم.

صحیفه امام، ج ۶، ص ۱۳۳

پاسخگویی به مسائل شرعی (استفتائات): ۰۵۰۸۰۱۲۲۷۸ - ۰۵۰۷۹۶۵۹۱۲ - ۰۵۳۰۷۷۲۷۸۵ - ۰۵۳۰۷۷۱۸۴۸ - ۰۵۳۰۷۷۱۲۲۷

حَمْرَاءُ الْأَسَدِ، نام یکی از غزوات رسول اکرم و جایی نزدیک مدینه است.

### تاریخ وقوع غزوه

این غزوه، یکشنبه ۸ شوال سال سوم هجری، یک روز پس از غزوه احد در هشتاد و دو مایلی مدینه، در راه وادی عقیق به مکه و در سه مایلی ذی الحلیفه روی داد. [۳۱][۲۱]

### هدف از غزوه

هدف پیامبر از این غزوه، که به فرمان خدا صورت گرفت [۴][۵][۶]، آن بود که مشرکان را از ادامه جنگ و حمله به مدینه بترسانند و باز دارد و قوت و قدرت مسلمانان را به دشمن نشان دهد و بفهماند که زخم و شکستی که در غزوه احدیه آنان وارد شده، عزم و اراده‌شان را از مقابله با دشمن سست نکرده است [۷].

سخن پیامبر اکرم هنگام بسیج مسلمانان نیز از این مطلب حکایت دارد: «... فَأَنَّهُ أَتَى لَلْعَدُوِّ وَ أَبْعَدَ لِلتَّمَعِ» (پس آن برای دشمن زبان آورتر است و آوازهای بیشتر و پرامنه‌تر دارد، [۸][۹] بر اساس گزارش دیگری، رسول خدا چون خبر یافت که مشرکان در رِوْحَاء از بازگشت به مدینه سخن می‌گویند، مسلمانان را برای تعقیب دشمن فراخواند [۱۰][۱۱].

### دستور نظامی پیامبر بعد از نماز صبح

پیامبر اکرم پس از نماز صبح، در حالی که مجروحان غزوه احد مشغول مداوای جراحات خود بودند، به بالای فرمود که ندا دهد: پیامبر دستور می‌دهد دشمن را تعقیب کنید و جز کسانی که دیروز در جنگ حضور داشتند کسی نباید با ما (از مدینه) خارج شود [۱۲][۱۳].

روایت دیگر حاکی از این است که پیامبر تنها به کسانی که در غزوه احد زخم برداشته بودند، فرمان و رخصت داد و وی را در این لشکر کشی همراهی کنند [۱۴].

### ارزیابی دو طایفه روایات

طبق روایت نخست، از هفتصد تن لشکریان مسلمان در احد، بیش از هفتاد تن به شهادت رسیدند [۱۵][۱۶] و همه باقی ماندگان، در حمراء الاسد شرکت کردند [۱۷].

### شمار همراهان به روایت دیگر

به روایات دیگر، شمار همراهان پیامبر در این غزوه شصت [۱۸] یا هفتاد تن [۱۹][۲۰]، یعنی حدود تعداد مجروحان احد، بوده است [۲۱]. آیة ۱۲۲ سوره آل عمران و گفتار پیامبر (الاعصابه تشد لامرالله تطلب عدوها فانها انکی انکا) لعدو وابعد للسمع، قول دوم را تأیید می‌کند [۲۲].

### جمع بین دو قول

شمس شامی [۲۳] کوشیده است میان این دو قول را جمع کند.



# حمراء الاسد غزوه‌ای که کمتر می‌شناختیم

مشرکان به راه خود ادامه دادند و در رِوْحَاء فرود آمدند. رسول خدا و یارانش نیز به حمراء الاسد رسیدند و آنجا اردو زدند.

### برخی از تاکتیک‌های نظامی پیامبر

به دستور پیامبر شمشیر آتش می‌افروختند. شعله‌های آتش، که شمار آن به پانصد می‌رسید، از دور دست دیده می‌شد و آوازه این لشکر در هر جا پیچید و بدین وسیله خداوند دشمن را سرکوب کرد [۲۹].

پس از آن، معبد بن ابی معبد خُرَاعی، که همچون دیگر افراد قبیله‌اش هم پیمان و هواخواه پیامبر بود، با سخنان و اشعار خود، ابوسفیان و سران قریش را از فکر حمله به مدینه متصرف ساخت [۳۰][۳۱].

بدین گونه، مشرکان خسته از جنگ و خرسند از پیروزی خویش، از بیم مسلمانان، به سرعت به طرف مکه رفتند. [۳۲][۳۳]

### تهدید نظامی ابوسفیان

ابوسفیان به پیامبر پیغام فرستاد که برای نابودی باقی مسلمانان باز خواهند گشت. پیامبر و مسلمانان نیز گفتند خدا ما را پس است و او یاری نیکوست. معبد خُرَاعی با پیک به پیامبر اطلاع داد که کفار به مکه بازگشته‌اند [۳۴][۳۵].

### مجازات قاتل حمزه در جنگ

در غزوه حمراء الاسد، پیامبر به معاویه بن مغیره بن ابی العاص که حمزه را مثله کرده بود،

و ابو عَزْرَه جَمْحَی که در بدر او را آزاد کرده بود، دست یافت و فرمان قتل آنان را داد.

ابو عَزْرَه هنگام آزادی‌اش، با پیامبر عهد کرد که احدی را بر ضداو یاری نکند، اما در غزوه احد با مشرکان همراهی کرده بود. [۳۶][۳۷][۳۸]

### تاریخ بازگشت از غزوه

پیامبر اکرم پس از پنج روز، از حمراء الاسد به مدینه بازگشت [۳۹] اقس ابن هشام، [۴۰].

طبری معتقد است پس از سه روز بازگشته است [۴۱] اما بگری معتقد است پس از سه روز، بازگشت از غزوه به مدینه بوده است. [۴۲]

در این مدت عبدالله بن ام مکتوم جانشین پیامبر در مدینه بود [۴۳].

از آنجاکه در حمراء الاسد رویارویی و جنگی روی نداد برخی آن را جزو غزوات ندانسته‌اند. [۴۴][۴۵]

### شان نزول آیات غزوه حمراء الاسد

آیات ۱۷۲ تا ۱۷۵ سوره آل عمران در شان غزوه حمراء الاسد نازل شده است. [۴۶][۴۷] [۴۸][۴۹]

### آثار روانی شکست مشرکان

این غزوه شکستی روانی و تبلیغی برای قریش و منافقان و یهود مدینه بود و روحیه مسلمانان را هم تقویت کرد. [۵۰]

### فهرست منابع

- (۱) ابن حزم، جوامع السیرة، و خمس رسائل اخی، چاپ احسان عباس و ناصر الدین اسد، (قاهره؟ ۱۹۵۰)؛
- (۲) ابن سعد (بیروت)؛
- (۳) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، نجف ۱۹۵۶؛
- (۴) ابن کثیر، البداية و النهایة، ج ۲، چاپ احمد ابولمحم و دیگران، بیروت ۱۹۸۵/۱۴۰۵؛
- (۵) ابن هشام، السیرة النبویة، چاپ مصطفی سقا، ابراهیم ایاری، و عبدالحمید شلیبی، (قاهره ۱۳۵۵/۱۹۳۶)، چاپ افست بیروت (بی‌تا)؛
- (۶) عبدالله بن عبدالعزیز بکری، معجم ما سئع من اسماء البلاد و المواضع، چاپ مصطفی سقا، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛
- (۷) احمد بن یحیی بلادری، انساب الاشراف، چاپ محمود فردوس عظیم، دمشق ۱۹۹۶-۲۰۰۰؛
- (۸) ابراهیم بن اسحاق حرابی، کتاب المناکس و اماکن طرق الحج و معالم الجزيرة، چاپ حمد جاسر، ریاض ۱۹۸۱/۱۴۰۱؛
- (۹) محمد بن یوسف شمس شامی، سیل الیهدی و الزیاد فی سیرة خیر العباد، ج ۴، چاپ ابراهیم تترزی و عبدالکریم عزابوی، قاهره ۱۹۹۰/۱۴۱۱؛
- (۱۰) فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری باعلام الیهدی، قم ۱۴۱۷؛
- (۱۱) همو، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ هاشم رسولی محلاتی و فضل الله ذری طباطبائی، بیروت ۱۹۸۸/۱۴۰۸؛
- (۱۲) محمد بن جریر طبری، تاریخ (بیروت)؛
- (۱۳) همو، جامع؛
- (۱۴) جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم صلی الله علیه و آله و سلم، قم ۱۴۰۳؛
- (۱۵) علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، بیروت ۱۹۹۱/۱۴۱۲؛
- (۱۶) محمد بن یوسف کرمانی، صحیح ابی عبدالله البخاری بشرح کرمانی، بیروت ۱۹۸۱/۱۴۰۱؛
- (۱۷) مسعودی، تنبیه؛
- (۱۸) مطهرین طاهر مقدسی، کتاب البیدة و التاریخ، چاپ کلان هورار، پاریس ۱۹۹۹/۱۹۹۹، چاپ افست تهران ۱۹۶۲؛
- (۱۹) محمد بن عمر اقدی، کتاب المغازی، چاپ مارسدن جونز، لندن ۱۹۶۶؛
- (۲۰) یعقوبی، تاریخ؛